

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۲۰۸۹۱۳

کتاب مجرم: برآورد آداب لغت و مناجات

مؤلف: سید ابوالحسن علی حسینی خفاجی

مترجم

شماره قفسه ۱۷۷۴۸

هر آینه کیت قلم را در ...
 چنانچه الهامه که در اشاره بان انیت که چون حقیقتها و حقایق است از زمان و زمانیات و در
 او سبحانه تعالی منت نظریه و انتقال و حال و ما در حق تعالی صورت بند و پس با ضرورت است
 تا سیکون در زرد او حاضر باشد و الا برایش حالت فطره خواهد بود اما کما شمس عطفه خواهد بود
 اینجاکسی قوسم که بر لایم میاید که ...
 شان از قبل بود و در شان مثلاً آدم را خلق کرد و در زمان خود نور پدید را خلق کرد بعد از زمان
 آدم این دوران خدای سبحان در زرد خود شان حاضر و موجود میباشد پس قیامت الا آن
 در زرد موجود نشده چنانچه در زمان آدم موجود نشده بودیم الا در این وقت و در این
 و قبل ازین و در برای نبرد در جمیع عالم خپن حضرت آدم موجود نشده الا در
 خود و قیامت موجود نمیشود الا در زمان خود که این از منزه و انانیت اینها جدا میشوند
 حق تعالی با انبیا و اولیای طیب بالذات البنا و اولیای طیب هم نشان و فیض لا یقطع و لا یتناهی
 اب الا به و انزال انزال و هم سجا نه محیط با لایقیان در نگاه قابل ثبات در صورت اسم سجا
 که جاب سید شده علیه السلام در مدینه مصعب و نقل مبارک خود را و ابلت و نهضت و خیم مسکن
 بنامها با و نبرد و غیره ان بان قابل شد که آن ...
 و کلا بلکه به است با وجود حقایق برود از اینجاست که کل انبیاء کل ذرات بان بزرگوار
 که سید قبل از وقوع این واقعه با کلام درین میدان کشید و با لوانت است
 بر کاهش افته دوری شود و مقدر کرد و بعضی از سببها تا میگویند ان یقال خواهد نگویند
 تا مطمئن شوند فان الزاویه نظر و الصافی لفظ شمر لایا التفسیر و ازین بیان هر کجا
 فرماید نوع مثلا معلوم خواهد شد و الا طبعی ملک و لاجل الا قوه الا بال لفظ العظیم و علی
 و الا لظاهرین منت الرسال التشریفه بخیرم الا نین ثمة و خیرون
 من شهر جادی اول نش تا پنج شنبه

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

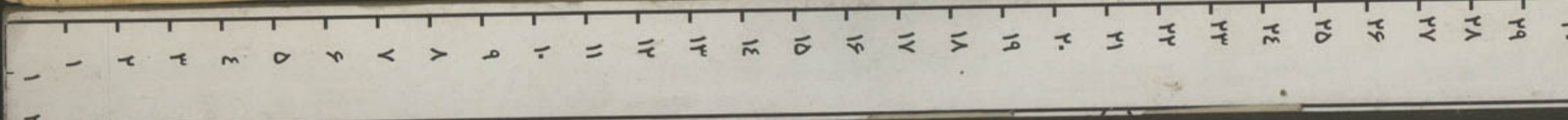
۸۹۱۳

کتاب مجموعہ: رسالہ بر آداب طاعت و معاجزات
مؤلف: سید الدین محمد قندی خفاجی

مترجم

شماره قفسه ۷۷۴۸

بر آینه قلم را در ...
 چنانچه در کتب کوشاره بان نیست که چون حقیقتاً در وقت آنکه از زمان و زمانیات و بر
 او سبحانه است منت نظریه و نقل و حال و ما در حق حقیقت صورت بند و پس با ضرورت است
 مایکون در زرداها ضریا شده آلا برایش است مفسر و خواهر بود و عاقلش مطلقه خواهر بود
 اینجا کسی که قسم بخورد که بر لایزم میاید که ...
 نشان از قبل وجود خودشان مثلاً آدم را خلق کرد در زمان خود و بر او خلق کرد بعد از زمان
 آدم و این دو زمان عند الله سبحانه در زرداها نشان ما در موجودی باشد بی حقیقت آلا آن
 در زرداها موجود نشده چنانچه در زمان آدم موجود نشده بودیم آلا در این وقت و در این
 وقت ازین وجه برای ما بود در جمیع عالم همین حضرت آدم موجود نشده آلا در
 خود و قیامت موجود نینود آلا در زمان خود کف این از من و آنکه و اما له اینها جمله میباشند
 حقیقتاً با التی الی العلم بطیب بالذات الینا و کل یوم یوم نشان و فیض لا یقطع و لا یتنا
 اب الا به و اول الازل و هو سبحانه محیط بالانقیاس در نگاه قابل تر باشد در حدیث است
 که جناب سید شهاب الدین در مدینه مصعب و نقل مبارک خود را و ابلت و نهش ازین مضمون
 تا ما با او نزد و نیز ان بان قابل شد که آن ...
 و کلا بکله به حسب ما بود در حقایق بود و از این است که کل انبیاء کل ذوات بان بزرگوار
 که سید قبل از وقوع این واقعه با با اهل بخارا کلام درین مبدین کشید و با او است
 هرگاه مشاخره روزی شود و مقدر کرد و بعضی ازین است اما کین ان یقال خواهر نمکوشند
 تا مطمئن شوند فان الزنا حقه الصافیة لقطع لیس لایا التیغیر و ازین بیان هرگاه
 فرمایند نوع مشاخره معلوم نموده شد و در طبع علیک و لا حول الا قوة الله العلیه و علی
 والظاهرین تمت الرسالة الشریفیة فی یوم الالفین ثلثه و خمسون
 من شهر جمادی الاول سنة تاریخ ...



مکتب

و لفظ و اشغال اینها از احوال و آثار چون محبت شریطه و اسباب و لوازم خارجیه متعلق گرفته
مفهوم شده و بوجود کونه آمد و آنچه بوجود آمده و همی از وجه غیرتقاربه از آنچه در فعل تو میگوید
ممكن بود پس هرگاه این اسباب و شرطه خارجیه مرتفع نشود آن وجود کونه نیز از کون مرتفع
شود تا در امکان فعل بقا پس ذکر جمیع آنها در فعل تو که امکان راجح آن آنها باشد که با وجود
ثابت و باقیست و فعل ذکا و نابود بخرد و آنچه بوجود خارجی آن از آن آنها در فعل نفی است
همکان جایز است یعنی وجود و عدمش هر دو یکسان است یعنی چون اسباب وجودش موجود
مقتضای آن اسباب آن اثر امر وجودی است و چون اسباب بخلانش حاصل شده اما آن اسباب
مرتفع نموده این است از آن اشغال که جمعا برای معرفت آیات خود قرار داده و غیر
اشغال تقاس و ما یفعلها الا العالمون پس فعل تو کلماتی که مترجم شده از این کلمات
یعنی ان یصد رنگ آنها در امکان نیاید و آنرا پس آن دفعه موجود شده و اما در جوار
شخص او به درج موجود نبود و نیز از ما حجب العلم با هوکایین ای ذکر آنکه الا امکان ای
چگونه گفته کلمات یعنی آن یصد رنگ آله سبحانه که کور موجود شده و باقی ماند آتش سجانه و تقا
که آن متعلق نشسته نشود و شریکیش آن ممکن نیست پس مقول و مقصور نیست ازین بیان
محل یعنی امکان و قاش و موجود بودن هشیاء در امکان مراد از کورت نیاید است
مکلف و جمله در مرتبه موجودیه یعنی یک کلام از جناب شیخ قدس آله تر تبه ما در شده که کسی در
دارد و در کشف نصیب اولوالافاضه است و آن امنیت که نیاید علی ای حد کلامه از موجود
در مکان خود و تر تبه و جود است و زلزلات و صفات و حقیقات و امانات و امانات در
احوال دنیا و آخرت و حجه و ناره و جمیع احوالها غیر المتناهیة من الاول الی الاخر یعنی نفس
ذکر الاذل و انبساط از مقامات سائل است و غایب است بر این تفریح شود از مسائل صعبه
مثل تسلیم علم و تصادف در مثل عدم خطاب نغای بر کل مکلفین و نقل بیار از احوال و تکلیف
و آیات تدریس و اشغال اینها با کجمله فروع این مثل بن از نیست که علم حاصل در هرگاه مستعد

تصویر
رساله تفهیم مرتبه در ادب و ادب
و طرفین و مصیبت
۳۴۰

۵۴

۱۷۷۴۸
۲۰۸۹۱۳

کتابخانه مسجد شریف غازی نالیچی
تاریخ
قیمت





بسم الله الرحمن الرحيم

لحمد لله الذي جعل الفتوة لباس التقوى للمؤمنين
والتزم بها الانبياء والاوتياء والصلحين لتعلموا حفظ الوعد
والتعهد بين الاخوان المؤمنين وبين فيها طريق الصالح
والنجح وامور الدين لمن يؤمن بالله واليوم الآخر من المتقين
وذكر الكافرين والجاحدين والمنكوبين وقد حض بها المؤمنون
وكانوا الحق بها واهلها وكان الله بكل شئ علما **وبعد** قال
مصنفها ومزلفها فخر العلاء العاملين وقطب الاقطاب
العارفين الشيخ شهاب الله والدين هو الامام الهمام
السرفندي الحقاقي قد سد سره الهالك سألني بعض اخوان
المؤمنين الصالحين ان ارفع محررا في بيان اهل الطريقة و
والحقيقة والشريعة وامور الدين وان ابين فيه اهـ **صل الشدة**
والتعهد بين التالوة والانبيا والاوتياء والمؤمنين
الصلحين فاجبتهم الى سواهم راجيا لكتابتهم يوم الثواب

ورغبة صلحة لمن اتقها وقراها وسمل بها من المؤمنين
وجعلها على عشرة ابواب وقد جمعتهما من محاسن الكتب
المطولات فصاعده انا مل الاقاوم وبكده بيدا الافكار
والاثر قام في غالب المحاسن والابتكار فاقول وبالله المستعان
الباب الاول في بيان الايمان والاساوم والاحسان **الباب**
الثاني في بيان الاخرق والفتنة والتعهد **الباب الثالث**
في ظهور التعهد **الباب الرابع** في بيان اهل الصانع والحرف
والذكر لاهل التكبيرات **الباب الخامس** في بيان ظهور
التعهد في الارض **الباب السادس** في بيان اهل الشدة
والتعهد **الباب السابع** في بيان اهل سلسلة الصوفية
الباب الثامن في بيان في ظهور الشدة والتعهد والفتنة
بعد خفائها **الباب التاسع** في بيان ببيعة اهل الصنائع وفيه
الباب العاشر في بيان الختام في اداب الشيخ والعارفين
الباب الحادي عشر في بيان الايمان والاساوم والاحسان وامور
الدين واركان الصاوة وواجبات الطريق روى عن امير
المؤمنين الامام الذي قال في حقه النبي صلى الله عليه
وسلم لو كان بعدى نبي لكان محمداً للحطاب رضي الله عنه
بينما نحن جلوس عند النبي صلى الله عليه وسلم ذات
يوم اذ طلع علينا رجل شديد بياض الثياب شديد

سواد الشعر لا يرى عليه اثر السفر ولا يعرفه منا احد حتى
جلس عند النبي صلى الله عليه وسلم واسند ركبته الى
ركبته ووضع كفيه على فخذه وقال له يا محمد اخبرني عن
الاساوم فقال له عليه الصلوة والسلام ان تشهد ان لا
اله الا الله وان محمد الرسول الله صلى الله عليه وسلم
وان تعيم الصلوة وتؤتي الزكوة وتصوم رمضان وتخرج الحرام
ان استطعت ليه سبيل قال صدقت منه كيف رساله و
وبصدقه قال فاخبرني عن الايمان قال ان تؤمن بالله وما بعينه
وكتبه ورسله واليوم الآخر وتؤمن بان تعد ربه ونعمه من الله
تعالى قال فاخبرني عن الاحسان قال ان تعبد الله كأنك تراه
فان لم تراه فانه يراك قال فاخبرني عن الساعة قال ما لم يسؤل
عنها با علم من السائل قال فاخبرني عن امارتها قال ان تلد
الامة ربتها وان ترى الخفاف العرا رعاء النساء يتطاولون
فاليان ثم انطلق فليت ملياً فتم قال عليه الصلوة والسلام
يا عمر اندي من السائل فقلت الله ورسوله اعلم قال عليه
الصلوة والسلام هذا جبريل عليه السلام انكم يعلمكم
دينكم رواه الامام مسلم امام المحدثين وناج المفسرين
الشيخ الفياض في تفسيره صاحب الكتاب بعد الامام
الجباري في الترتيب الثانية رضى الله عنهما ونفعنا بهما

بها فالواجب على العبد المؤمن والا ان يعرف امر دينه حتى
يكمل اسالومه وايمانه خصوصاً الذي يدعى المعلية و
والشيخة والمعرفة وما يجب على الشيخ ان يكون حارفاً
بامور دينه وما يتعلق به من واجب وفرض وسنة
واول واجب عليه ان يعرف الله تعالى بصفاته الثماني
وهي حتى مر يد قادر عاوم له التيقا والسمع والكالوم
فهي سبحانه تعالى باقية دائماً سرمداً ولا تغيبه
تداول الايام والسنين **قوله** مريداً ارادته باقية لا يفعل
العبد فعلا الا بارادته ومشيئته تعالى وقدرته قديمة
عامة شاملة لكل شيء وعمله سبحانه يعلم خائنة الاعين
وما تخفي الصدور وجانته سبحانه وتعالى ويقاوم على الدرهم
سرمد ولا اولوية لهما ولا انتها وسميع ليس كسمع مخلوق له
بل هو سبحانه وتعالى يسمع ريب التملة في جنح الليل البهيم
وكاومه ليس بحرف ولا صوت وهو القرآن العظيم وبصير
يبصر مبيت اسمك في ألح التجار واذا **سالك** عن امور الدين
فهو اربعة دال ودليل ومستدل وبيان **اما** الدال فهو
الله سبحانه وتعالى والدليل فهو جبريل عليه السلام والمستدل
فهو زين محمد صلى الله عليه وسلم والبيان فهو انقران
العظيم الذي لا ياتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه

تزيين من حكيم جيد واما فروع الاسلام ففي **حصة شهادة**
ان لا اله الا الله وان محمدا الرسول الله واقام الصلوة
وايتاء الزكاة وصوم رمضان والحج الى بيت الله الحرام واذا قيل
لك ما معنى لا اله الا الله وما اصلها وما فرجها وما ثبوتها
وما المراد بها وما حقيقتها وما كمالها فالجواب ان نقول
اصلها الايمان وفرجها الاسلام لقوله صلى الله عليه وسلم
بنا لاسلام على خمس شهادة ان لا اله الا الله كانت في الصحيحين
بني التجارى ومسلم والمراد بها التوحيد واما ثبوتها فهو الاحتكاك
وحقيقتها الغناء له سبحانه عن كل ما سواه والتفكير اليه كل
ما عداه وكالها في الاحداث وثبوتها القدر لله وحده سبحانه
وعلى اله واحد احد صمد لم يتخذ صاحبة ولا اولاداً فانه
ذكر الامان هما التمسك والتسليم في صحتهما في باب التمسك بالسبل
ان العباد اذا قام في السبل وقال لا اله الا الله وحده لا شريك له
له الملك وله العهد يحيى ويميت وهو حي دائم لا يموت بديار الخبير
واليه التصير وهو على كل شئ قدير وعقب صلواته ارتفعت
مقبولة وان اضاف اليها عند التورم سبحانه الله والحمد لله
ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلى
العظيم **عشر مرات** كتب الله له قيام تلك الليلة واذا قالها
عقب دعاءه قبل باذن الله تعالى واما اركان الصلوة

الصلوة ففي **باب** عشر ركعات على مذهب الشافعي رضي الله
عنه الذي قال في حقه جده صلى الله عليه وسلم عالم ثبوت
بما هو طبيا في الارض على الاول النية عند تكبير الاحرام
الشافعي القيام مع الضد وكبيرة الاحرام قراءة الفاتحة
وبسم الله الرحمن الرحيم اية منها والركوع والطائفة فيه والالتفات
والاستدلال منه والطائفة فيه والسجود والطائفة فيه
والجلوس بين السجدين والطائفة فيه والجلوس الاخير والفتنة
فيه والتسليم الاوسط والترتيب على ما ذكرناه **وسبقها قبل**
الدخول فيها شيان الاذان والاقامة وبعد الدخول فيها
شيان التشهد الاول والقنوت في الصبح والوتر في النصف
الاخير من شهر رمضان واما شرطها قوله صلى الله عليه وسلم
انما الاعمال بالنيات فالويتع التعل بالنية وتكون مقرونة
بالعمل كما تقدم في اركان الصلوة دون نية الصوم فانها
لا تكون الامينة ولو من اخذ السبل ونظرها بعضهم حقيقة
حكيم محل وزمن كيفية شرط ومفصود حسن حقيقتها
القصد وشروطها قصد الشئ مقترنا بفعله وحكم بالوجوب
غالباً فالوبر دخو غسل التبت ومحلها القلب ويندب
التطيق باللسان لباعد القلب وزمنها العبادات كغسل
اول جزء من الوجه في الوضوء وكيفيةها تختلف بحسب

حسب المتوى كالصلاة القرضية في الوقت وشروطها الاساوم
ومقصودها تميز العبادات عن العادات **فالتوجب** على من
يدعى الشيخة ويجلس على الصلاة ويستدبر بين الخاضعين من
الحاضرين ان يعرف ذلك كله لان لفظة يا شيخ الطريقة
مقام عظيم لما روى ان الله وما وكنه يصلون على معلمين
الناس لخير اى يستغفرون لهم ربهم ويدعون الله بان يغفر لهم
بما يعجزون نياومذهم فصل ركعات الفرائض **سبعة عشر** ركعة
فيها اربع وثلاثون سجدة واربع وتسعون تكبيرة وقع تشهدات
وعشر تسليمات ومائة وثلاثون وخمسين تسبيحة وجملة الاركان
في الصلوة مائة وستة وعشرون ركعا في الصبح ثلثة وثلاثون ركعا
في الربا سبعة اربع وخمسون ركعا في المغرب اثنا عشر ركعا
ومن يخرج عن القيام في القرضة صلى جالساً ومن يخرج عن الجلوس
صلى مضطجعا والسنن التابعة للفرائض سبعة عشر ركعة
اربع قبل فرض الظهر وركعتان بعده واربع قبل العصر وركعتان
بعد المغرب وخمس بعد فرض العشاء يؤتى بها واحدة منهن
فالتوجب على اهل العقول من الرجال اثنتان الحكماء ملين
والفحول المتصددين من ارباب الطريق والخصايق والصانع
العارفين الذين لهم الفتوة والشدة والعهدان يعرفوا ذلك
ويعلونه لئلا يمدحهم ومن لم يجد معلماً فليجمل للعارفين

العارفين بها ولا يتخذ له كبير الامثلة لان الطريق طريق الله
وهي مخاطبة بالشرعية المنطقية الفراء وان الطريق لها
احكام واركان وواجبات ومطلوب ومنسوب فيها نحن
نبين لك ذلك هنا واذا سالوك ايها الاستاذ عن اصل الايمان
وراس الايمان وروح الايمان وعرق الايمان وارض الايمان وبرز
الايمان وثمره **فالجواب** اصل الايمان سمانية من الله تعالى
وراس الايمان كل من الشهادة وروحه القرآن العظيم وعرقه
الاخلاص وارضه قلب المؤمن وبرزه اعمل الصالح وعزم
لخوف من الله سبحانه وتعالى وثمره لغيره من الله تعالى
ومن ثلثا وثمثة الكائنين وثمره سبحانه الله والمحمد الله ولا اله
الا الله الا الله والله اكبر في كل وقت فاذا سئل عن ذلك كله ويحجب
عنه فليطرد ولا يتصدرفي مجالس العارفين لذلك كما يزعم
بعض الناس انه يقال معلم صنعته فهذا باطل لا عبرة به
لان الصانع نزلت من السماء سبعة وما زاد عليه يقال لها
حرفة فالوقال الصالحا حرفة استاذ الا اذا كان صاحب
معارف وفضل حتى يصلح له الكاوم في مجالس اهل الفضائل
المتصددين لاهل هذه الفضائل العارفين وان سألوك
واركان الطريق واصليها وواجبها **فالجواب** اركانها **ستة**
الاول حمل الثاقل على الثالث صبر الرابع رضاه الخامس

السادس صفاء واصلها ستة الأول التوبة الثاني التسليم الثالث
التقاعمة الرابع الأزراد الخامس الرياضة السادس محلة عن
الكثرة واحكامها ستة الأول معرفة الثاني سبعا الثالث
توسل الرابع توكل الخامس تفكير السادس تصدق وواجباتها
ستة الأول خيرك الثاني احك الثالث فناء في الله الرابع نزلت
الذنب الخامس خوف من الله ورسوله السادس بقاء بالله وان
سألوك بآياتها الطالب عن المحرقة ما هي ومن اين جات وما مكتوب
عليها وما ظاهرها وما باطنها وما فرضها وما سنتها **الجزء**
عنما هي التزيق في الطريق والتزيق يعرفونه ارباب الطريق هي نزلت
من السماء الى ادم عليه السلام مكتوب عليها اربع كلمات هي
صبور شكور كريم مرشد وظاهرها التعرفه وباطنها الاذ
وفرضها طريقة الله تعالى واتباع السنة رسول الله صلى
عليه وسلم واكل الحلال والسؤال بحسنه في كل مرة وسنتها
اتباع الحق وترك الباطل والعمل به وطريق الهدى وما يقرب
الى الله تعالى من قول وسئل عن عرف ذلك واتباعه وسمايه
كان حقا على اهل الاخلاص ويزيد ذلك قوله تعالى وقول
رسوله الكريم وكان حقا علينا نصر المؤمنين وقوله صلى الله
عليه وسلم المعروف بقدر المعرفة وقال **امام علي رضي الله عنه**
قيمة كل امرئ ما يحسنه فان كان هذه الاستاذ لا يعرف شيئا

شيئا الا عرفته فقط فهداه قيمة وان كان صاحب اماتة
وصيانته وديانته ومعرفة وقرارة وحلم وفهم بالكتاب والسنة فقيمه
الجزاء الاولى لان الله تعالى فضل اهل العلم لقوله تعالى هل
يستوي الذين يعلمون والذين لا يعلمون وقوله تعالى انما يخشى الله
من عباده العلماء وقد قال سيد الطائفة الصوفية وامام
ارباب الطريقة والحقيقة **جزيلا بقلادي** عليه رحمه الله
الطريق كلها مسدودة الا على من اتقى انزل الرسول الله صلى
عليه وسلم وقال ومن لم يحفظ القرآن ولم يكتب الحديث لا يقف
في هذا الامران لان علمنا ومذهبتنا هذا مقصد بالكتاب والسنة
وقال السمرقاني عليه رحمه الله الباري النصف اسم لثلاث معان
وهو الذي لا يطفى نور معرفته نور رعه ولا يتكلم باطن في علم
ينفضه عليه ظاهرا الكتاب ولا تحمله الكرامات على هتك
بحار الله تعالى **وقال ابو يزيد البسطامي** رحمه الله لبعض صحابه
قربا حتى تنظر الى هذا الرجل الذي قد شرف نفسه بالولاية فكأن
رجلا ومقصودا مشهورا بالزهد فبيننا اليه فلما خرج من بيته
ودخل المسجد رمى ببنائه تجاه القبلة فانصرف ابو يزيد ولم يلم
عليه وقال هذا رجل خير مما من على ادب من ادب رسول الله
صلى الله عليه وسلم فكيف يكون مامونا على ما يدعيه و
قال لو نظرتم الى رجل اعطى من الكرامات حتى ترفع في الهواء

فأول تغزوا برحمتي تغزوا أكبرين تجددت عند الأمر والنهي وحفظ الحدود
وأداء الشريعة وقال بوسليمان الداراني رحمه الله ربما يقع في قلبي النكته
من نكت الضوم أيا ما أفلوا قبل منه الأبناء هدين سدين بالكتاب والسنة
وقال ذو القرنين بصري مع ومن سماوات تحب لله تعامنا بعبادة حبيب الله
محمد صلى الله عليه وسلم في أخلاقه وأفعاله وأوامره وسنته وقال
بشرفي رحمه الله رب النبي صلى الله عليه وسلم في التمام فقال
يا نبي هل ندرى بمرفعتك الله تعالى من بين أقرانك قلت يا رسول الله
قال يا نبي عك بسنتي وسخدتك للصالحين ونصحتك لأخوانك
وصحبتك لأصحابي وأهل بيتي هو الذي بلغك منازل الأبرار وقال
ابوسعيد الخدرجي كل باطن يخالفه ظاهره فهو باطل وقال محمد بن
الفضل مع ذهاب الاسود من أربعة لا يعلمون بما يعلمون ولا يعلمون
ما يعلمون وناس من التعلم ينعون كل ما ذكر من كلام سيد الطائفة
حينئذ مع الى هنا فصول من رسالة القشيري رحمه الله انظر انهما
انما قل الطالبي الحق ان هؤلاء سخطا منساج سخطا الطريقة وكبار
ارباب السلوك الى الله وللحقيقة وكلهم يعطون الشريعة الشريعة
ويبينون علومهم الباطنة على السيرة الاحمدية والملة المحقة
فأول تغزوت طامات الجهال المتفكرين وتطعمهم القاسدين القساة
القائلين المضلين غيرهم بعد ان كانوا زانقين عن الشرح الصريح
وما كان من الصراط المستقيم خارجين عن مناهج سخطا الشريعة

الشريعة وما رفين عن مسالك مشايخ الطريقة فالويل كل
الويل لهم ولمن تبعهم او حسنوا امرهم فهم قطع طريق الله
على العابدين بليسون الحق بالباطل ويكتمون الحق وهم يعلمون
ابواب ثمانية في بيان الاخرة والفتنة والعهد وما اصله
وما سببه ومن اول عهد كان في السماء او في الارض والحق من
كان من الخلوقات نقل الامام القسطلاني في كتابه المسمى
بالمواهب اللدنية من رواية عن محمد الرزاق بسند عن
جابر بن عبد الله الانصاري رضي الله عنه قال قلت يا رسول
الله يا رسول الله فذلك باليات واجي اخبرني عن اول شيء خلقه
الله تعالى قبل الاشياء قال يا جابر ان الله خلق قبل الاشياء نورينيك
من نور فجعل ذلك النور بدورا لقدرة حيث شاء الله تعالى ولم يكن
في ذلك الوقت نوع ولا قلم ولا الجنة ولا نار ولا ملك ولا سما ولا ارض
ولا شمس ولا قمر ولا اجنات ولا انس فلما اراد الله تعالى ان يخلق الخلق
قسم ذلك النور اربعة اجزاء فخلق الجزء الاول العلم ومن الثاني النوع
ومن الثالث العرش ثم قسم الجزء الرابع اربعة اجزاء فخلق من الاول
علمه عرش ومن الثاني الكرسي ومن الثالث باقي ما ونكته ثم قسم الرابع
اربعة اجزاء فخلق من الاول السموات ومن الثاني الارضين ومن الثالث
الجنة ونار ثم قسم الرابع اربعة اجزاء فخلق من الاول نور ابصار المؤمنين
ومن الثاني نور قلوبهم وهي المعرفة بالله تعالى ومن الثالث نور العظم

وهو التوحيد لا اله الا الله محمد الرسول الله الحديث واخذ عليهم
العهد بان يؤمنوا بهذا الشرايط المذكور فامتنوا به وقال القلم اكتب
لا اله الا انت وسعدك لا شريك لك ثم قالت الملائكة من هذا
الذي قرنت اسمه مع اسمك باريتنا فقال القلم فانه نادوا فوعدوا
وسماوا ما خلق من خلقا احب الي من محمد ولا اعز علي منه
فكان هو النبي صلى الله عليه وسلم واول سجدته وكلما بعث الله
نبيا باره بالايمان به فهذا هو العهد الاصيل وهذا هو الزمام
الاولي نعم ان الله تعالى امر الملائكة ان تجتمع تحت شجرة طوبى وهي
في الجنة وذلك قبل ان يخلق ادم عليه السلام بالف سماه ثم امرهم
بالهدى ولما مات بعضهم وقد رضوا كل واحد منهم بان يجعلوا الامين
جبريل عليه السلام كبيرا عليهم وسيدهم وقد جعله الله تعالى
رسول الوحي بينه وبينهم وبين سائر الانبياء صلوات الله وسلامه
عليهم اجمعين وعلى نبينا محمد صلى الله عليه وسلم كما سياتي
بيانه ثم اوحى الله تعالى الى شجرة طوبى ان تنثر ما عليك
فتنثر ما عليك رافا وهي صكاكا وفكاكا وسمقا لهم من النار
وكان من ذلك اول عرق احصر المعلوم بين اهالي الطرايق والحقائق
ثم امر الله تعالى جبريل عليه السلام ان يعاهد من شاء بقدرته وان
يامر كل واحد منهم بالايمان بخدمته بما امره بها فالزم رضوا
عليه السلام ان يكون خازن الجنان ومالك عليه السلام خازننا

خازن النار اللهم ادخلنا الجنة واجزنا والمستمع من الاخوان والسبايز
من النار وميكائيل عليه السلام بالامر لعل الى كل جهة يريد بها
الله وباذنه سبحانه وتعالى وامر اسرافيل عليه السلام بتيسير الريح
والنفخ في الصور متى باذن الله سبحانه وتعالى له وامر مخررانيل بقبض
ارواح المخلوقات عند انتهاء اجالهم وامر لراحييل عليه السلام ان
يكون خازن السموات والبيت المعمور وجعل لكل واحد منهم
جزءا وسماوات مبادرين لطاعته ومتعاونين لخدمته فكان
ذلك نال سجد في السماء فاقفهم واحفظ هذا الزمام ولا تظن
غير ذلك فمن شك فيه فقد باه بفضيب من الله **ثم قال النبي**
رح اوحى الله سبحانه وتعالى ادم عليه السلام ان اريد ان اخذ
عليك العهد والميثاق وعلى ذريتك ان لا تشركوا في شيئا ولا تخاف
امري وان تؤمن برسولي محمد صلى الله عليه وسلم فقال ادم بارئ
وما يكون محمد قال هو جيبى ونبي ورسولي الذي اخرجته
من ظهرك ومن نسلك في اخر الزمان فقال ادم واين هو وهي
فامر الله جبريل عليه السلام ان يحمله باحدى جناحيه على
ظهره فخلق الله منه نسا وذريرة مثل الادر على الوراثة
مختلفة فالق منها اختلف واما عالف منها اختلف في هذه
الدنيا واخذ عليهم العهد والميثاق بالايمان به وبرسوله اليهم
فاجابوا بقولهم بلى وعلى ذلك قوله تعالى **واذا اخذ ربك**

من بنى اده من ظهرهم ذر بانهم واستشهدهم على انفسهم
الست بربكم قالوا بلى شهدنا على انفسنا الآية فكتب
جبريل عليه كساوم شهادتهم على انفسهم في بطافة واشهدهم
عليهم الملائكة ووضعها في مكتوب نحيبه وكان ذلك ثالث
عهد في السماء فاحفظ هذا الزمان وذكر ان ادم عليه كساوم
وهو في الجنة كان يخاف من الشيطان اللعين خصوصا من حين
اخذ عليه العهد وزرئته وقال يا جبريل ان قلبي خائف
وجيل من هذا اللعون الشيطان فقال له الا ادلك على كلات
تعوهن يطهره الله سمك فاخذه تحت قصر من قصور الجنة
ثم غاب عنه جبريل عليه كساوم فسمع ادم من فوق راسه حبيبا
فرفع راسها فرأى صورة شرفه طاهرة من الرجس رضي الله عنها
منرفة من طافة القصر وعلى راسها ناي وفي اذنها حلق وفي
عنقها طوق فظن ان ادم عليه كساوم واطال النظر فيها فجاء
جبريل فراه على هذه الحالة فقال يا ادم قد اطلت النظر في هذه
الصورة فقال ما هذه يا جبريل قال هذه فاطمة الزهري
رضي الله تعالى عنها بنت محمد صلى الله عليه وسلم قد صورق
في الجنة قبل ان تخلق في الارض وهذا التاج الذي على
راسها هو ابوع عليه الصلوة وكساوم محمد عليه كساوم
وهذا اللحن الذي في اذنها ولديها رضي الله تعالى عنهما

عنهما الحسن والحسين وهذا الطوق الذي في عنقها هو زوجها
الامام علي رضي الله تعالى عنه واحفظ هذه الاسماء
قاله بيجيك منه ومن مكده وهو مطرود عنك وهي هذه
الاسماء وانت تقول يا ربنا بحرمته سيدنا محمد صلى
عليه وسلم وبنته وبعلها وابنيهما السبطين اعلام الهدى
تب على والهدى يا محمد يا فاطم يا حسن يا حسين
اسايا سالى الشان وانت على كل شئ قدير يا خازن يا ممانك
وذلك قوله تعالى وحمل ادم الاسماء كلها الآية **فصل في كيفية**
ما احببه الله تعالى من الجنة قال الامام الطبراني اكله من شجرة
لنخلة التي امر الله تعالى بعدم اكلها منها وقد انساه الله تعالى
الاسماء المقدم ذكرهم فاكل منها فاكل منها ارتفعت السجادة من
رؤسها والحل عن بدانها وصار مكشوفين البرص وكل اقبلوا
على شجرة من اشجار الجنة يجلسون تحتها ويستتركون شرف الشجرة
عنصما وتعلوا اظلم الشجرة التي نظنهم وارخت اذيا لها
واراقها عليهما فاخذ ادم من ورقها ثلوث وراق وخسة
حتى دفن ما عده اقطاقهما الاوراق الثمانية نبع منها جلباب
اي لابس ابيضاً وقتر في الارض فانبت الله ومن ذلك الجلباب
وحنق القطن وذلك قوله تعالى **وظفنا بجمعنا عليهما**
من ورق الجنة وناثرهما ربهما الم انهما كانا من تلك الشجرة

وقال لكان الشيطان لهما عدو مبين ثم سأل الله

شجرة الزيتون وقال لها ان اشجار الجنة كلها قد سكت وارتفعت مناد
وحوى حتى لا يستروا تحتها وانت نخالفي وقد سلقتي انحصارك
عليها ما تحورت ساجدة وقالت سبحانك ما اعلمك على سجدتك
قال الله لها وعرفي وجاالي قد حرمتك على النار ولا جعلن منك
كسوة لتي ولتبت **الباب الثالث** في ظهور العهد والفتوة
وروى عن علي بن ابي طالب البائه قال لم يبعث الله نبيا من ادم فمن
بعده الا اخذ عليه العهد في محمد صلى الله عليه وسلم
لئن بعث وهو حي لمؤمن من به ولنصرته وباخذ العهد على قومه بذلك
وهو روى عن ابن عباس رضي الله عنه ايضا ذكرها العباد من كثير
في تفسيره وقيل ان الله تعالى لما خلق نور نبينا محمد صلى الله عليه وسلم
امر ان ينظر الى انوار الانبياء عليه السلام فضيحه من نوره ما نظفهم
الله تعالى وقالوا يا ربنا من غشينا نوره فقال الله تعالى هذا نور
محمد بن عبد الله صلى الله عليه وسلم ان امنتم بجعلكم انبياء قالوا
امتابه ونبوته فقال الله تعالى اشهد عليكم فالوا نعم فذلك قوله تعالى
واذا اخذ الله ميثاق النبيين لما انزلنا من كتاب وحكمة ثم جاءكم
رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به ولننصرن الى قوله وانامعكم
من كنا هادين **وقال** الامام الواقدي رحمه الله تعالى هبط الله ادم
في جبل سريديب وحوى في جمدي ووقع الطاء ووس في اصبهان

في اصبهان النجم واما الجنة لم يسعها مكان ولم تستقر في مكان
الحالات والملعون ابليس في بيان وهو من ارض النجم **روى** عن ابن عباس
رضي الله عنه انه قال ان ادم مكث يبكي اربعين سنة في الارض
على فرا الجنة وما كان فيها من النجم وفراق حوى وهي كذلك
بكي ولم تعلم له مكان ولا مستقر الى اربعين سنة حتى تعال
جسده وصار كغضن السمك قال فلما تاب الله عليه نظاير
هذا الرئس عن جسده ولم يبق الا الاضافة فقط قال
في قبول توبته ارسل الله اليه جبريل عليه السلام وقال يا ادم
ابن الاسماء التي عملتك ياها قال له سميت عنها بنسبها
فقال قل يا ربنا بحمد وبنته وجعلها وابنهما الصبطين
اصلام **الهدى** وباهل بدر والصحابة كلهم والتابعين وتابعهم
سرمدا ولعبدك النعمان ثم بمالك والشافعي قطب الوجود واحدا
فخرج عن المكروب واكشف غمته ياخبر من بسط الاثام له يدا
قال فداومها ادم ثلاثة ايام او اقل فصبط اليه جبريل عليه السلام
وقال يا ادم ان الله تعالى له بيتا في الارض وسماه بالمسجد الحرام
فن دخله كان وقد عمرته اما لوكفة باذن الله عز وجل قبل
هبوطه من الجنة الارض خمسمائة عام وذلك قوله تعالى
ان اول بيت وضع للناس الذي ببكة مباركا وهدى للعالمين الا ان
فلما وصل ادم الى المسجد الحرام وطاف وصلى وبكى ثم دسا

وتوسل بحمد صلى الله عليه وسلم لانه روى اسمه الشريف مقرراً
باسم الله عز وجل مكتوباً على باب الجنة فقبل الله تعالى دعاءه ورحله
فلما خرج من باب المسجد رأى زوجته حوى فاجابت الى بكة
لذو راس الخيل الحرام فلما راها ادم عرفها وقبل عليها فولتها ربه
منه الى الخيل فبعها وهو يقول لها يا حوى انا بعدكم ادم فلو تخافى
مضى فضات له ما انت ادم عليه كما هو تغير جسمه ومكانته الا
دعا الله عز وجل وقال لى كما نبت على ونفرت لى اسلك
بحرمة محمد صلى الله عليه وسلم المبعوث فى حلال زمان ان تعرف
بينى وبين امك حوى فانزل الله جبريل عليه السلام ومعه موت
وحجر اخضر ومقرض اى مقص فخلق لادم راسه وقص شعره
وشاير وقصر ثم اخذ عليه العهد والميثاق ان لا يعص الله فى امر
من الامور فاعاهد على ذلك وعرفه بحوى على الخيل ولهذا سمى
عمرات لتعارفه بها فيه وهذا اول عهد فى الارض واته
نالت عهد لادم من جبريل الاول بايمانه بحمد صلى الله
عليه وسلم النسخ له ولذريته الثالث هذا وما ذكر الطعام
والتحوى فان العهد الاول كان بين الملائكة وبعضهم تحت
شجرة وتقدم انما نثرت عليه رفاقا المتقى رذاب المؤمنين
فهم يتهادون بها الى يوم القيامة فهذه الزمن التحوى الثالث
نادخل ادم بحوى فى الجنة اجتمعت الملائكة بادم بهنوه

جاءهم رضوان عليه كما اوم بطبقين من التحوى من طعام اهل الجنة
فكان هذا الطعام العرس ولهذا يقال يوم كثر والتعهد يوم
عرسا وكثالت بعد ما عرفها انزل جبريل عليه السلام بنا لونه اياه
بناج ابيض وناج من صوف وعاهد كما نقده وجاء جبريل
عليه السلام بطبق من فواكه الجنة وقال هذه حلوة قبول التوبة
قال انصف ثم اعلم ان اول العهد قد يما من سائر المخلوقات الوجود الالهى
بيننا محمد صلى الله عليه وسلم النسخ بين تلك مكة وبين
بعضهم كما تقدم تحت شجرة طوبى الثالث بين الملائكة
بالايمان بادم عليه السلام الرابع بين ادم واولاده ونسله هنا
من الله تعالى الى ادم من جبريل عليه السلام فاحفظ هذا
ونسك به وكان هذا العهد بحضرة جبريل وميكائيل
واسرافيل وعزرائيل وراحيل وكانت يد جبرائيل فى ادم
وميكائيل من فوق يد جبريل ويد اسرافيل فوق يد ميكائيل
ويد راحيل فوق يد اسرافيل ويد عزرائيل فوق يد راحيل
فقد يقال سلسلة العهد وعلى ذلك قوله تعالى ان الذين
ييايعونك انما يابيعون الله يعنى ان الذين يبايعونك باحق بالحدية
على ان لا يفرروا انما يابيعون الله لانهم باعوا انفسهم بالله بالجنة
واصل البيعة العقد الذى يعقده الانسان على نفسه من بذل
الطاعة للامام والوفاء بالعهد الذى التزمه له والمراد بهذه البيعة

بيعة الرضوان بالحديثة وهي قربة ليست بكبيرة بينها وبين
مكة اقل من رحلة او رحلة سميت به هناك وقد جاء في الحديث
ان الحديثية بئر قال مالك هي من الحرم وقال ابن القصار بعضها من الحرم
وبعضها من الحرم ويجوز في الحديثية الخفيف والتشديد والتخفيف
افصح وعامة الحديثين بتدوينها عن يزيد بن عبيد قال قلت
لسلمة بن الاكوع عني ابي عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال
علي الموت عن معقل بن يسار قال رايتني يوم النجدة والنبى صلى الله
يباع الناس وان ارفع غصص من غصصها عن راسه ونحن اربع
عشر مائة قال لم يبايعه علي الموت ولكن بايعناه علي ان لا نفر قال
العلل الامثا فاه بين الحديثين ومعناها صحيح بايعه منهم جماعة
منهم سلمة بن الاكوع علي الموت فالوايز الون بغا تلون بين يديه حتى
يفصلوا وينصرفوا وبايعه جماعة منهم معقل بن يسار علي ان لا يفروا
عن ابن عمر قال ان الناس كانوا مع النبي صلى الله عليه وسلم يوم الحديثية
تفرقوا في غلال النجدة فاذا الناس محذرون بالنبي صلى الله عليه وسلم فقال
يعني يوم بايع الله انظر ما شان الناس احد قرا برسول الله صلى الله
عليه وسلم فذهب فوجدهم يبايعوه فبايع ثم رجع الى الحرم فخرج وبايع
وقوله صلى الله عليه وسلم في الحديثية قال ابن عباس بديلة بالوفاء بما
وسددهم من الخبر فوق ايديهم وقال السدي كانوا يباخذون بيد
رسول الله صلى الله عليه وسلم فيما يعونه وبدا الله فوق ايديهم

فوق ايديهم كذا نقله البغوي عنه وقال الكلبي نعمة الله عليهم في
الهداية فوق ما صنعوا من البيعة وقال الامام فخر الدين الرازي بديلة
فوق ايديهم محتمل وجوبها وذلك لان اليد في الموضوعين اما ان تكون
بمعنى واحد واما ان يكون بمعنىين فان قلنا انها بمعنى واحد ففيه
وجها ان احدها بديلة الله بمعنى نعمة الله عليهم فوق احسانهم الى الله
كما يقال لجل الله بمن علمكم ان هذا لكم الايمان وثالثها بديلة الله فوق
ايديهم ان نصرته اياهم اقرى واعلا من نصرتهم ليا يقال اليد تضالون العلة
والنصرة والقوة وان قلنا انها بمعنىين فقول اليد في خلق الله تعالى
بمعنى الحفظ وفي حق المتبايعين بمعنى الخارجه فيكون المعنى بديلة الله فوق
ايديهم بالحفظ وقال الزمخشري لما قال لما يبايعون الله اذ تبايعوا
علي طريقة النجيلة فقال بديلة الله فوق ايديهم يريد ان بدر رسول الله الذي
تعلوا يد المتبايعين لبي بديلة الله والله منزع عن الجوارح وعن صفات
الاجسام وانما المعنى ان تقرير عقد التبايعه مع رسول الله صلى الله عليه
وسلم كعقد مع الله من غير تفاوت بينهما كقوله تعالى من يطع الرسول
فقد اطاع الله هذا مذهب اهل التاويل وكلامهم في هذه الآية
ومذهب السلف السكوت على التاويل وامر ايات الله كاجابات
وتفسيرها فارتها والايان من تحيرت كليف ولا تشبيه ولا تعطيل
قوله تعالى فمن يكفرك فإنا نكفرك على نفسه يعني من نقض العهد
الذي عقد مع النبي صلى الله عليه وسلم ونكث البيعة فإنا

وبالذك وصرفه بجمع اليه ولا يضر الا نفسه ومن اوفى بما عاهد
عليه الله فسيؤتيه اجرًا عظيمًا يعني في الآخرة وهو الجنة وقد
صاح جبريل عليه السلام وعلى سائر انبيائه وما اوتىته وعلى نبينا
افضل الصلوة واتم التسليم لادم ابا ومعلمه وباقي الملكة اخوة
وصار هو خليفة الله في ارضه يتصرف فيها كيف يشاء وكيف
اراد من غير سبب سبب اجار وسبب اجار وسبب اجار وسبب اجار
ونصب وكل اهتم ادم بما نزل الملكة وتعلمه وتهديه
الى فعل ذلك الامر لاما سعدديه وازمان مديده حتى ولد نبت
عليه السلام وكان صاحب فرسه ومعارف وحدائقه وفهم
وادراك وازعان وفكر واسع لا يدركه احد وكان من اول
صناعاته الخياطة وهي التباينة والتغزل والقتل والبره وتجارة الانوال
وجاكة لتحصن وشغل النعال الذي له شراك في ابراهيم القدره وان جميع
الصناعات تنبأ الى نبت سبل التلاوم حتى الطين والتعجين والتخباز
وكلها قبل كل شئ فلما راه ابراهيم عليه السلام هذه الخالصة جعله
خليفة في الارض قوله تعالى اني جاعل في الارض خليفة وهي
ينقسم الى قسمين احدها خليفة الظاهر في رواية المتصرفين
والاخر خليفة الباطن في رواية الغنوي في اهل التصوف
اصحاب التصوفه ومن تبعه في معاملات الحقيقة الباطنية
ورؤيته على اخوته وقد شره وسأهده اعطاه الفتوة هذا

وهذا نافي محمد في الارض فافهم والله تعالى اعلم في بيان
اهل الصناعات والحرف والذكر لاهل التكبيرات الاربعة الاولى لادم عليه
السلام ويقال لها تكبيره الرضى وذلك انه لما نزل اليه جبريل
عليه السلام وشره وسأهده بعد تعرفه بزوجه حتى كبر
فقال الله اكبر فثبت تكبيره الرضى وذلك لتوبته بعد الخطية وهي
خلاف الاولى لانها مثل خطية غيره من المخلوقات لانه كان الاولى
له عدم الخالفة فقط والثانية تكبيره الغنى وهي نوح عليه السلام
وسببها بيانها قريبا والثالثة تكبيره الصفا وهي لبراهيم عليه السلام
والرابعة تكبيره وهي نبينا محمد صلى الله عليه وسلم وهذه
الصناعات كلها من صناعات اولاد نبت واما الذين يزعمون الناس في هذا
الزمان ان الخياطة لا تدرى عليه السلام فهو زعم باطل لا اصل له
واما الصناعات كلها ظهرت من نبت واولاده والذي يقول غير هذا
فهو مقلد واقواله كاذبة لا اصل لها وكذلك التجارة قديمة لنبت
عليه السلام من قبل نوح وبرايم غير ان حمل السفينة محصور
لنوح سببها اوه فقط ما سبقها عليها احد وله تكبيره الغنى
المعروف بذكرها وذلك لما بلغ من الغرار بعانة سنة اربع مائة سنة
جاءته النبوة والرسالة وقد قاسا من قومه شئ ما قاساه احد
قبله فدا علىهم بقوله تعالى لا تزر على الارض من الكافرين
ديارا الآية وهبط جبريل عليه السلام وعلى سائر الانبياء عليهم

السلام وعلى نبينا افضل الصلوة واكمل السلام وعليهم وملكة
الكرام فشرع بالطوفان وقال له اصنع القلنك بامرنا ووجنا ولا تخاف^{طين}
فلذنب ظلمنا انهم مغرورون فلما جاء امرنا وفار التور قلنا حمل فيها
من كل زوجين اثنين وكانت قومه والامة قد افرقت على فرق
منعددة فمنهم المؤمن والكافر وقيل انه لم يكن مؤمنا الا اربعين
رجلا واربعين امرأة والباقي اهلكهم الله على الكفر وما امن معه
الا هليل والذي نزل معه في السفينة نوح والذي ابى التبول معه
اهلك الله تعالى قال الراوى وان الفتوة قبل نوح كانت لجدة ادريس
عليه السلام لانه كان صاحب صنائع كثيرة منها عمل الخياطة وعمل
الغزق وما زالت الصنائع تزيد اذ احرف تكثر الى زمن نوح الى
داود عليه السلام حتى صاروا يعملون الخيل وكبابات ونعالات والى النساء
حتى من الذهب والفضة من اساور ودمالج وخلقوا اطواق
وخلخال وكحل اذ افى زمن ادريس ونوح وداود عليهم السلام
وسائر انبيائه وما لا يحصى وعليه جيبه محمد صلى الله
افضل الصلوة وانتم السلام حتى اخترتمو الغاس والمجمل
والفرس والزابور والسهم الذى للرمح والنباب والسيف
واللة الساج حتى السكين وكفى للبران الذى من الحديد وما زالت
كل زمن تكثر اهل الصنائع الى زمن سيدنا الخليل ابراهيم
عليه السلام وعلى نبينا افضل الصلوة وانتم السلام وسليما

وعلى سائر الانبياء والمرسلين وعلى ما لا يحصى والمقربين والصالحين
والنبيين وعلينا معهم جميعين ^{في بيان ظهور}
العهد والفتوة والمحاوات في الارض قال الامام الوافى ^{الله} رحمه الله
عليه اسلم يا اخي وفقني الله واياك الى ما يجب وبرضاه ان هذه
الفتوة اختلفت وكادت لم تظهر من عهد نوح وداود وصارت
الناس في ذلك الزمان يفعلون صنائع ويخترعون اشياء ولم يكن
لهم من هو شيخا ولا كبير فيها الى زمن سيدنا ابراهيم عليه السلام
فاسطاه الله النبوة والرسالة والفتوة والعلم والحكمة والمعرفة
ويجمع الطرائق والحقايق ظهرت في زمن عليه السلام وذلك قوله
تعالى وكذلك نرى ابراهيم ملكوت السموات والارض وليكون
من المؤمنين قال المفسرين بن الجحازن معناه وكا ابراهيم البصيرة
في ربه والحق في خالقه قومه وما كانوا عليه من الضلال في عبادة
الاصنام نبيه ملكوت السموات والارض فلهذا السبب سمى بنى هذا
الروية بلفظ المستقبل في قوله وكذلك نرى ابراهيم لانه تعالى كان اراه
بعين البصيرة ان اياه وقومه على غير الحق في الفهم فخره الله بان اراه
بعد ذلك ملكوت السموات والارض فحست هذه العبارة بهذا المعنى
والملكوت الملك زيدت فيه التا للباغفة كالرهوت والرهوت
والرحوت من الرهبت والرحمة والرحمة قال بن عباس سمى النبي
رضي الله عنه يعني خلق السموات والارض وقال المجاهد وسعيد

صعدت جدي يعني ايات السموات والارض وذلك انه اقيم على صحفة
وكشف له عن السموات والارض حتى راي العرش والكرسي وملأ السموات
من الجباب وحكى راي مكانه في الجنة فذلك قوله وايناه اجره
في الدنيا يعني ايناه مكانه في الجنة وكشف له عن الارض حتى نظر
الى اسفل الارضين ورأى ما فيها من الجباب قال البغوي روى عن سلمان
ورفعه بعضهم عن علي قال لما راي ابراهيم ملكوت السموات والارض
ابصر رجالا على فاحشة فمدى عليه فهلك ثم ابصر اخر فمدى عليه
فهلك ثم ابصر اخر فاراد ان يدعو عليه فقال له تبارك وتعالى يا ابراهيم
انك رجل جباب المدحوق فالودعوني على سبيلي فانما انا من عبدي يحل
ثاوت خاوت اما ان يتوب الي فاتوب عليه واما ان اخبر منه نسمة
فقدية واما ان يبعث الي فان شئت صفوت وان شئت ساقبت وفي رواية
فان توفى فان جفتم من ورايه وقال قتادة ملكوت السموات الشمس
والقمر والنجوم وملكوت الارض الجبال والسيح والبحار ولخلف هذه الروية
هل كانت بعين البصر او بعين البصيرة علي قولين احدهما انها كانت بعين
البصر لظاهره فشق لابراهيم السموات حتى راي العرش وشق له الارض
حتى راي ما في بطنها والقول الثاني ان هذه الروية كانت بعين البصيرة
لان ملكوت السموات والارض عبارة عن الملك وذلك لا يعرف
الا بالعقل فيان بعد ان هذه الروية كانت بعين البصيرة الا ان يقال
المراد بملكوت السموات والارض وقوله تعالى وليكون من التوفيقين

من التوفيقين عطفت على المعنى ومعناه وكذلك نرى ابراهيم ملكوت السموات
والارض ليستدليه وليكون من التوفيقين عبارة عن العلم يحصل
بسبب التامل بعد زوال الشبهة لان الانسان في اول الحال لا يفتك
عن شمة وشك فاذا اكثر الدلائل وتوافقت صارت سببا
لحصول اليقين والطمانينة في القلب وزالت الشبهة عند ذلك قال
ابن عباس في وليكون من التوفيقين جلاله الامر منه وسماوئيله فلم يجز
عليه شئ من اعمال الخالين فلما جعل يلعب اصحاب الذنوب قال الله
تبارك وتعالى انك لا تستطيع هذا فزعه الله كما كان قبل ذلك فعني
الاية علي هذا القول وكذلك ايناه ملكوت السموات والارض ليكون
من توفيق علي كل شئ محاسنا وتعل وجهه للمفسرين هذه الاية
وتخصر عن ما حصل به وبين الكافر الملعون الممرد وما فعلوه معه
وحماه الله عز وجل وشرفه بركة نور نبينا محمد صلى الله عليه وسلم
وعلى سائر الانبياء والرسولين وما لا يمكنه افضل الصلوة والسادة
وكان وحيد من اهلها كادت عليه الاية الشريفة ورأى في منامه نارا
ليال متواليه يحجب ابراهيم من ذلك فقال بك ببغدا تبهلون وبك
يا من المخرت اسالك بيتك محمد صاحب الجاه الموصوت ان نجيبني من التبر
وساقيني واعف عني يا الله يا كريم فزال يتلوه هذه التكال حتى
انه احتوى عليه بعد والله ووضع في التجنن وكان له نارونة اشهر
وهو الكافر الملعون يجمع خطبا واخشا با في السحر ويوقدها

فصارت النار من مسافة يوما واحدا لا يستطيع احد ان يوجهها
ولا يقابلها من شدة نارها فلما حملوا الطيور في أهوى حتى وصلوا
الى مكان النار اشتد بهم هجير القوم فيها وقبل وصوله اليها
اخذ جبريل عليه السلام على جناحه وقال له يا ابراهيم هلك
من حاجته فقال له اما اليك فالو وهو سالم بحالي سمى عن سواي
سبحانه ما سخر شأنه فبركته توكله على الله سخر وجل وتقويه
قال لها فلما ارادوا ان يلقوا ابراهيم لم يخلوا كيف يلقونه قيل ان ابليس
جاؤ عليهم على الخبيث فقلوع ثم عمدوا الى ابراهيم فقتلوه ودفنوا على ارض
البيان ووضعوه في الخبيث مقيدا مظلوما وصاحت السماء والارض ومن
فيهما من الملكة وجميع الخلق الا اثنى اثنين صحبة واحدة اى ربنا
ابراهيم خليلك يلقى في النار وليس في ارضك احد يعيدك غيره فاذن
لسنا في نصرته فقال الله سخر وجل انه خليل ليس له خليل غيره وانا الهه
ليس له اله غيره فان استغاث باحد منكم اورد ساء فلينصره فقد
اذنت له في ذلك وان لم يدع نيري فانا اعمل به وانا وليه فخلوا بينه وبين
قفا ارادوا العاقبة في النار اتاه خازن المياح وقال ان اردت اجمد النار
واتاه خازن أهواء وقال ان شئت طيرت النار في أهوى فقال ابراهيم لا حاجة
لا حاجة لي اليكم حسبى الله ونعم الوكيل وروى عن ابن عباس ان ابراهيم
قال حين اوثق وتلقوه في النار لا اله الا انت سبحانك لك الحمد ولك
الملك لا شريك لك ثم رواه في الخبيث الى النار فاستقبله جبريل

جبريل فقال يا ابراهيم لك حاجة قال اما اليك فالو جبريل فاسالك
ربك فقال ابراهيم حسبى من سواي بحاله بحالى عن ابن عباس في قوله
وقالوا حسبنا الله ونعم الوكيل قالها ابراهيم عليه السلام حين القى في النار
وقالها محمد صلى الله عليه وسلم حين قال لهم الناس ان الناس قد
جمعوا لكم قال كعب الاحبار جعل كل شئ يطفى النار الا التوراة فانه
كان يطفى في النار عن ام شريك ان رسول الله صلى الله عليه وسلم اقبل
لاوزان زاد شحار وقال كان يطفى على ابراهيم قوله تعالى يا نار كوفي بردا
وسلاما على ابراهيم قال ابن عباس لو لم يقل السلامات ابراهيم من بها
وفي الاثنا انه نهبق نار في الارض الاطقت فلم يطفى في ذلك اليوم بارف
العالم ولو لم يقل على ابراهيم بقيت ذات بردا وقيل اخذت تلك كة نفعي
ابراهيم فاقعدوه على الارض فاذا سمين ما سذب وورد احمرون جسر
قال كعب ما احرفت النار من ابراهيم الا وناقله فالو وكان ابراهيم في ذلك
الموضع سبعة ايام قال ابن عباس بن سحر وقال ابراهيم ما كنت اياما قط انعم
منى من الايام التي كنت في النار قيل وبغث الله ملكا الظلم في صورة
ابراهيم فقول الخ جبريل ابراهيم بونسه فالو بعث الله جبريل بهيم من حير
لجثة وطغفه فالبسه اقميص واقوده على الطغفة وقدمه معه
نجدته وقال جبريل يا ابراهيم ان ربك يقول اما علمت ان النار لا تضر
احباي ثم بطر غرود واشرفت على ابراهيم من صرح له فراه جالس
في روضة والملك قاسدا الى جنبه وما حوله نار يحرق الحطابا

يا ابراهيم كبير الهك الذي بلغت قدرته ان حال بينك وبين ما اري يا ابراهيم
هل تستطيع ان يخرج منها قال نعم قال هل تخشى ان قتلت بصرك قال لا قال
فقم فانخرج منها فقام ابراهيم يحسب فيها حتى خرج منها فلما وصل اليه
قال له يا ابراهيم من الرجل الذي اذيت معك مثلك في صورتك فاصعد الى
جنبك قال ذلك ملك الظلم ارسله الخد في ليونسي فيما فقال تمروديا
يا ابراهيم في مقرب الهك قربانا لما رايت من قدرته وسعته وفيما
صنع بك حين اتيت الا سبادته وتوحيدته والحق ذابح له اربعة الاف
بقرة قال ابراهيم اذ لا يقبل الله منك ما كنت سحلي دينك حتى تغارقه
وترجع الخد يبي فقال لا استطيع ترك ملكي ولكن سوف اذبحها له
فذبحها تمرود وكفت سحر ابراهيم عليه السلام ومنعه الله سحر وحبل
منه نقل عن ابو جازن في تفسيره وقال شهاب ولو لالم يقترنا البرد
بالوم لحصل له المشقة من البرد وقد جعل الله جميع اخطاياها واختباها
حدائق واحباب وانما تختلفه الاثوان فلما اري ذلك الخليل عليه السلام
من محباب لطف الله به كثير وقال الله اكبر فضيحت تكبيره الصفا تكون
ان الله سبحانه وتعالى ابدل الله بالصفا والهناء والسرور
في بيان اهل السنن والعهود والاشقوة والفتنة وسماحة ابراهيم البيت
الحرام قال النبي ^{صلى الله} ارسل الله جبريل عليه السلام الى ابراهيم عليه
وقال له ان الله يامر بك ان تعزله بيتا في هذه المكان يجنون الناس
ويطوفون به في كل عام فلما وصل من بيت المقدس الى مكة اخا

اخا بين المؤمنين اثنين واخذ عليهم العمود وشدهم ثم اخبرهم بعبارة
البيت الحرام وفلا مثل وقد اختلفت هذه القضية واصحاب ابيارق
والاعلام الذين هم برضونهم هم ومن بعدهم من زمن الخليل
هو ولد اسمعيل عليه السلام الى زمن نبينا محمد صلى الله عليه
واختلف ابيارق هذه فلما ظهرت الاقطاب الاربعة فاخترنا منهم
السيد محمد القادر الكجالي في الاشارة الخضراء وقيل البيضاء والسيد
احمد البديوي في الاشارة الحمراء والسيد احمد الرفاعي في الاشارة
السوداء والسيد ابراهيم الدير في الاشارة الاصفر والسيد
السعد الدين في الاشارة الاخضر وخصوصا هذه الاشارة
الحسن لان اصحاب الصانع ليس لهم من الفتوة ولا حفظ محمد ولا وراثة
وليس هم اهلا لذلك لما فناء من الكذب والتفان والتسوق واللوطة
والحسد والتقد والتفض وغير ذلك فيما بينهم والعداوة وان الشدة
والعهد وحفظ الودة لا يكون الا للصالحاء وخصوصا هؤلاء الاقطاب
الحسن لانهم ياخذون باذن الله بيدهم من كل شدة وبليته
وينصرونهم على اعدائهم رضوا الله عنهم فحسبهم واجبا ونخصبهم
شديد واما هؤلاء الفسقة ارباب الصانع الكاذبون انما هم لانه
لا عبرة لصنايعهم ومعارفهم ولا عبرة ايضا بغضبهم لتأني
عن حفظ النفوس والداي القائل ان تعيس ليس ان بطونهم مملوءة من
الحرام وكيف وهم على هذه الحالة لو نموت على عهد الله وامانت له

وحفظ حقوق ويحمود فاصيك يا اخي ان لا تجالسهم ولا
لا تلتق باقواهم فان كان ولا بد وقد احتجت اليهم لمعرفة حرفة
من حرفهم ومنفعة من صناعتهم لاجل معاش فكف على حذر وخذ
حذرك من مكرهم وخذ عنهم واستغل بالذي اخرجك الله تعالى
لهم في الكسب والتعاش من الصنعة التي ابتليت بها ليس انهم يقولون
مالا يفعلون ويامرؤ الناس ولا ياترون ان راوا عالما احقره
وان ذابوا جاهها او امنه وصدقوه وان ذابوا لثوقه وكذبوه
في بنية قصة ابراهيم عليه السلام وسمايته للبيت الحرام قبل ان يبت
الحرام عمر اربع مرات وقبل خمس مرات الاولى حرته الملائكة في الارض
كالحرف في السماء الثاني حره ابراهيم لظليل عليه السلام الثالث حره
فهر بن مالك الرابع هاشم بن عبد المطلب بن قصي الخامس حرته قريش
على عهد محمد بن عبد المطلب بن هاشم عبد النبي صلى الله عليه وسلم
واما الحجر الاسود فتدونه جراه من قصة وقد وضعوا على وضعه
في مكانه بعد ما منورتهم للنبي صلى الله عليه وسلم خالوا فالتجامل
الذي يفره في كتب الحديث الشريف كالامام البخاري ومسلم وغيره الكتب
السنن فالراجع ذلك وما التمه انسان حتى يكتب اسمه فيه
وقد يؤيد ذلك قوله صلى الله عليه وسلم لعرب الخطاب رضي الله تعالى عنه
انه ينفع ويضر امر سبانه وسب ذلك انه عليه الصلوة والسلام
لما حج حجة الوداع والتس للجبر وقبلة عليه لساوم ومعه الامام

الامام عمر رضي الله عنه فقال اخي انك جاهد لا تضر ولا تنفع و
ولولا ان رسول الله صلى الله عليه وسلم التمسك وقبلك ما قبلت ذلك
فقال له عليه الصلوة والسلام يا عمر انه بامر ربه ان كان صح ذلك نفع
ويضر وانما اقل من اصله وانما تم على الناقل لاصله ثم قال صلى الله
عليه وسلم للحجر افتح فاك اي جوفك فاذا فيه اوراقا لا يحصى عدتها
وقيل بعد من التمسك من حين سحارة الى يوم القيمة فان سيدنا ابراهيم
عليه السلام اعطاه الفقة الى ولده اسمعيل عليه السلام وكان صنفه
ونظيفه وكان صاحب مفارق وراي سيد بكره كما ينبغي يجلس على
فارسه الطريق ينظر فقيرا او سائدا يسيل فياكل معه وكان يحب الفقير
او يحاسنهم عنده وما سماه انه اكل شق ثمره وحده ولا مع زوجة
الامع الناس ولا تام على فراش قطولا من الليل ساعة وبيت طول
ليلة قائما على قدميه وقد ذهب بعض العلماء الى ان الذبح اسحاق
عليه السلام فان صح هذا العربي يجعل الاب ساء قال الله تعالى انما نبي
يعقوب عليه السلام ام كنتم شهداء اذ حضر يعقوب ليوت اذ قال لبيته
ما تعبدون من بعدى قالوا نعبد الهك واله ابائك ابراهيم واسماعيل واسحق
فجعل اسماعيل ابا وهو عم وفي حديث معاوية المومود تبخه قريبا قال معاوية
ان سيدنا اظليلنا امر بخبر مزرم نذر الله ان سهل الامر بها ان نخر بعض ولده
فاخرجهم فاسهم بينهم فخرج السهم لعبد الله فاذا رده فقهه لحواله
من مخوم وقالوا الرض ربك واقدانك فعذاه بمائة ناقة فهو الذبح

واسما عجل فيج الشافي ولهذا روى كما عندنا في مخبري في الكشاف انه
صلى الله عليه وسلم قال انا ابن الذبيحين وعند الحاكم في المستدرک عن
معاوية بن ابي سفيان كما عند رسول الله صلى الله عليه وسلم فانا اعرابي
فقال يا رسول الله خلفت ابا وديابة والدا يا ابا هلك النال وضاع العيال فعد
علي ما افاض الله عليك يا ابن الذبيحين قال قبيتهم رسول الله صلى الله عليه وسلم
ويزكر عليه الحديث ويعني بالذبيحين محمد الله واسما عجل بن ابراهيم عليه
السلام وقال ابن القيم ويزا بدله علي ان الذبح اسما عجل انه لا ريب ان الذبح
كان بمكة وكذلك جعلت القرابين يوم اقر بها كما جعل السجدة بين اقصى
والمرج ورجى الجوار نذكر ما شان اسما عجل عليه السلام وامته واقامة لذكر الله
تعالى ومعلوم ان اسما عجل وامته هما اللذان كانا بمكة دون اسحاق وامته ثم قال ولو كان
الذبح بالشام كما تزعم اهل الكتاب ومن كفى سلفهم لكلمات القرابين والتجرب بالنفا
لا بمكة وايضا فان الله سقى الذبح حليما لانه الاحم من سب انفسه للذبح طاعة
لربه وما ذكر اسحاق سماه سليلها وايضا فان الله اجرم الحادة البشرية ان يجر
الاولاد احب الخوالدين ممن يعبدون ابراهيم لما سأل ربه الولد ووهبه له
فعلقت شجرة من قلبه والله تعالى قد خلقه خليلا والخلقة منصف يقضي توحيد
التجويد بالحجة وان لا يبارك فيها فلما اخذ الولد شجرة من قلبه اللدجيات
عبره الخلة فنزعهما من قلب الخليل وامر بالذبح للتجويد فلما اقدم على ذبحه
وكانت محبة الله تعالى عنده اعظم من محبة الولد خلصت الخلة حينئذ من شجرة
المشاركة فلم يبق في الذبح مصححة اذ كانت المصحة انما هي في العزم وتوطيئ

وتوطيئ النفس وقد حصل المقصود ففسخ الامر وفي الذبح وصدق الخليل
الروي انتم صلى الله عليه وسلم بذلك وروى ما ذكره المعافين زكريا ان محمدا بن عبد
العزيز قال ارجوا اسلام من علماء اليهود اى بنى ابراهيم امر بذبحه فقال والله
يا امير المؤمنين ان اليهود يعجلون انه اسما عجل ولكنهم يجسدونكم مغرب
الغرب ان يكون اياكم للفضل الذي ذكره الله تعالى عنه فهم يجسدون ذلك
ويزعمون ان اسحاق لان اسحاق ابوهم فانظر ايها الخليل ما في هذه القصة
من السر الخليل وهو ان الله تعالى يرى عباده ليغير عبدا لكسرو اللطف بعد
الشدقة فانه كان سابقا صبرها جروا بنها على التجدد والوحدة والغربة
والسليم للذبح الولد التالى ما لك اليه من جعل نارها ومواظبي اقامتها
مناسك لعباده المؤمنين ومتعبات لهم الى يوم الدين وهذه سنة الله
تعالى فيمن يريد رفعة من خلقه بعد استضعافه وذلك وانكاره و
صبره وتلفيق القضا بالرضا قال الله تعالى ونريد ان ممن على الذين استضعفوا
في الارض ويجعلها نعمة ويجعلهم التوارين ونعكن لهم في الارض ذلك
فضل الله لؤبيه من ينادى والله ذو الفضل العظيم واستنكح بعض النساء
ان سيدا للطلب نذر ربه اذا بلغوا عترة وقد كانت نزوحه حاله ثم
انه صحق بعد وفاء بذنه فخرق والعباس انما ولد بعد الوفا بذنه وانما
كان اولاده عترة كما روى عن النبي صلى الله عليه وسلم انه قال اننا
ابن الذبيحين يعنى اياه محمد الله رضى الله عنه يعنى انه في حجة الوداع
عليه الصلوة والسلام زار قبرها فقالت له بما يشه رضى الله عنها

كيف نذورها يا رسول الله قال لها عليه الصلوة والسلام يا عاينة
ان الله سبحانه وتعالى بعد ما تمها اجابها النبي وامتاب هذا هو الصحيح
شالا فالجمللة الذين يفهمون ذلك فالواجب على المؤمن اذا ذكر عنده
والذي رسول الله صلى الله عليه وسلم ان يرضى عنهما ويؤمن بهما
حرفا من ان يقع في حقهما شيئا يكفر الرجل للمؤمن بذلك فافهم ذلك
نحو من المهالك والشايف هذا البيهقي المزبور وهو سيدنا اسماعيل
عليه السلام وقد اتفق العلماء على اصابته انه ولد اسماعيل ولم ينزل هذه
الاجازة تنقل من واحد من الانبياء الى واحد من اهل بيته الى
اولوا العزم من الانبياء الذين ذكرهم الله تعالى في سورة الاحزاب
بقوله تعالى عز وجل واذا اخذنا من النبيين ميثاقهم ومنك
ومن نوح وابراهيم وموسى وعيسى بن مريم واخذنا منهم ميثاقا
غلظا الآية فعدت الخمسة اولوا العزم الذين اخذ الله تعالى عليهم
العهد والميثاق بالايمان بالمصطفى محمد صلى الله عليه وسلم
اسباب السابغ اهل سلسلة العهد والسند واهل القنوق قال
الفقيه ابراهيم بن ابي عمير عن ابي ابي رضى الله تعالى عنه انه
قال لنا وجدت في الكتاب سبعة من الانبياء عليهم الصلوة والسلام
ولدوا مختونين خلق الله تعالى ادم مختونا وكذلك ولدته شيث ولد
مختونا وكذلك داود ولد مختونا وكذلك نوح ولوط ويوسف وموسى
وادريس وسليمان وشعيب ويحيى وهود وزكريا وعيسى

وعيسى صلوات الله عليهم جميعا انتهى وفي هذه العبارة نحو لان
الختان هو القطع وهو خبر ظاهر لان الله تعالى يوجد على هذه الهيئة من
عبد قطع فجعل الكلام باعتبار انه على صفة المقطوع **وروى الطبراني**
في الاوسط وابو نعيم والحطيب وابن عساکر من طريق عن ابي ان النبي
صلى الله عليه وسلم قال من كرامتي على ربي ان ولدت مختونا ولم ير احد
ولم ير احد سني وصحبه ايضا في الخبر **وعن ابن عمر** قال ولد النبي صلى الله
عليه وسلم مسرورا مختونا رواه ابن عساکر **وقد حصل** من الاختلاف
في حياته ثلاثة اقوال احدها انه ولد مختونا كما تقدم الثاني انه ختمه
جده عبد المطلب يوم سابعه وضع مادبة وسماه محمد رواه الترمذي
بسند له ابن عباس وحكاها بن عبد البر في التمهيد الثالث انه ختم عليه
خليفة كذا ذكره ابن القيم والذبياتي ومغلطاي وقال الان جبريل عليه السلام
ختمه حين ظهر قلبه وكذا حرجه الطير الى في الاوسط وابو نعيم من
حديث ابي بكره قال الذي وهذا منكر **وذكر عن وهب بن منبه** وغيره
انه قال كان بين ادم عليه السلام وبين صلوفان نوح عليه السلام
الفان ومئان وانان واربعون سنة وبين صلوفان وموت نوح عليه
السلام ثلثمائة سنة ومائتين واربعون سنة وبين نوح وابراهيم
الفان ومئان واربعون سنة وبين ابراهيم وموسى عليهم وسلم
بين افضل الصلوة وادم السلام والملائكة والصلوات علينا معهم
اجمعين بارزب العالمين تسعائة سنة وبين موسى وداود وخمسمائة

سنة ودين داود وبعثنا في سنة **فصل** في بيان الكتب المنزلة
من الله تعالى على انبياء المرسلين عليهم صلوات الله اجمعين
وهو التوراة على موسى عليه السلام والزبور على داود والانجيل على
عيسى والفرقان وهو على نبينا وشيخنا محمد صلى الله عليه وسلم
وروى وهب بن مبنة وغيره انه قال انزل الله مائة كتاب واربع
كتب نالون صحيفة على نبيث وعشرون على ادريس وعلى داود
قبل زبور احدى عشرة صحيفة وعلى ابراهيم عشرة صحيفة وعلى
موسى قبل التوراة ثمان صحائف نقل من العلام الخديين والمفسرين
فهؤلاء اصحاب العهد واليثاق فيهم اصحاب الصانع سبعة ومنهم
اصحاب التكبير اربعة وقد تقدم ذكره نالون في تكبير الصغار و
العهد الصفا والشدة الصفا لادم عليه السلام وتكبير الغنى والعهد
الغنى والشدة الغنى لنعوج عليه السلام وتكبير الرضى والعهد الرضى
والشدة الرضى لادم عليه السلام وتكبير الوفا والعهد الوفا والشدة
الوفا لمحمد صلى الله عليه وسلم ثم انقطعت الرسالة من بعد
عيسى عليه السلام الحان نبينا وشيخنا محمد صلى الله
عليه وسلم فكان بينهما فترة فلذلك انزل الله سبحانه وتعالى
قوله عز وجل يا اهل الكتاب قد جاءكم رسولا بين يديكم على فترة
من الرسل فلن ابعث صلى الله عليه وسلم بالنبوة والرسالة والاعلم
والحكمة وسلم الاولين والآخرين وخصوصا ما ذكره الله في كتابه

في كتابه العزيز بقوله عز وجل ما فرضنا في الكتاب من شيء
وفرضنا رجالا في قلوبهم اثبت من لجال الرواسي الذي قال الله
في حقهم يجنونهم ويجنونه اذلة على المؤمنين عزرة على الكافرين
يجاهدون في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم قال بن **سباسب** رضى
رضي الله تعالى عنه في قوله تعالى اذلة على المؤمنين اعزرة على الكافرين
قال ابو بكر الصديق رضى الله عنه اتقوا المؤمنين بيا درهم بالثقة
والابن واذا اتقوا الكفار اعداء الدين يلطاهم بالثقة والغفوة
والغفرة وكذلك الامام عمر وثمان وعلى وباقي الغفرة الكرام
اصحاب البيعة والعهد رضوان الله تعالى عليهم اجمعين قال الخطيب
عاهدوا الله وبايعوا رسولا الله تعالى لان يفعلوا عشرة اشياء
اوهم الشرك بالله **الثاني** السرقة **الثالث** الظلمة **الرابع** الغيبة
الخامس الخيعة **السادس** الشهادة الزور **السابع** التحقد على المؤمنين
الثامن الايمان الكاذبة وذلك اثنا عشر **التاسع** ترك الصلوة
العاشر لواطه والزنا وغير ذلك فاذا كان بعد حال من هذه
الاشياء كلها فهو متعد ومنها الى العهد والشدة على الصحيح ويكون
منها الى الطريق الرابع وخصوصا الخطى على الصلوات الخمس
في اوقاتها الشريعة وهي عند سائر الخطى وسائر احوال الطرق اكبر
الامانات والذي لم يصل الخمس فلا يسهده ولا يشد لان الله
لما اخذ العهد على بنى ادم واخذ على سائر الانبياء عليهم كما

ان يؤمنوا بما جاء به هذا النبي الكريم صلى الله عليه وسلم وإيمانه
وايمانه فيما يبلغ به عن ربه ومن خالفه فليس شدا ولا عهد ولا
امانة لان الصلوة هي اعظم الامانات **الباب الثامن** في ظهور
الشدة والعهد والفتنة بعد خفائها على زمن بعث نبينا محمد
صلى الله عليه وسلم وكانت اهل هذه الاصناف والشدة والعهد
لا امانة لهم ولا شدة ولا عهد فانزل الله سبحانه وتعالى عليه
صلى الله عليه وسلم **ان الله يا محمد ان تؤذوا الامانات الى اهلها**
وبانها الرسول يبلغ ما انزلك اليك من ربك وان لم تفعل قابلفت
رسالتك والله يعصمك من الناس الاولي فقال النبي عليه السلام
الله اكبر فعموها تكبيره التوفيق في الحال جمع سلتا رضى الله تعالى عنه
وجمع للؤمنين وقال لهم من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه
وسادى من ساداه وتم سادته وشدة واعطاء الامانة وامروا بان
يعاهد ويشد من شاء من المؤمنين ثم جاء جبريل عليه السلام وقال
يا محمد ان الله اطلع على اهل الارض فاخترتك من خلقه و
بعثك بنوته ورسالته ثم اطلع عليه ثانيا واخترتك
منها انما وزيرك وصاحبها ومهرا فوجهك بابتك في السمار
وهي ائت المنصونة والبضعة الطاهر المكونة الة فاطمة
الزهري بنت سة المنصونة حديجة الكبرى فقال عليه الصلوة
والسلاوم من هو هذا الرجل يا اخي هو اخيك في الدين وابن عمك

وابن عمك في القرب وهو الامام على رضى الله عنه المبارك واوحى
الله سبحانه وتعالى الى الجنان ان ترخرفي والى الخور العين ان تزينوا
والى شجرة طوفان امطري لؤلؤة وفضة وذهبا وامر صواتا
عليه السلام خازنها ان ينصب منبر الكرامة ذلك اليوم يوم
مبارك يوم زواجهما رضى الله عنهما بالامام على رضى عنهما
وكان يوم شدة وسجد وفرح وسرور فالجل هذا يقال ليوم الشدة
والعهد يوم فرح ثم ضح صلعا للعرس والفرح فهذا سببه واما
الذي يقولونه العوام جعل الخوى وتنمن من مكان الى مكان
ما رايناه في كتب قصه وانما هو افتري وكذبا من هذه العوام الشدة
لا عبرة باقواتهم ولا افعالهم لنا شي منهم على حفظ النفوس
ثم نرجع الى ذكر التكبيره وبقية اهل الفتنة والشدة والعهد
ففي الرواية الاولى ان التكبيره الذي كبرها عليه الصلوة وتساوه
هي تكبيره التوفيق كما تقدم وفي رواية الاخرى على الاصل ان جبريل
عليه السلام نزل على النبي صلى الله عليه وسلم قال له ثم واندد
ازارك وترد ابردائك واحضر قلبك فان ربك يدعوك لتخضي
بمكان العز والوفاء والافتخار وكانت ليلة الاثنين لثالث ليال
بعين من شهر الله المحرم رجب الفردا المعظم المبارك وكان ثانيا
على الصحيح بيت ائت الطاهر امهات زوجته رضى الله
تعالى عنها فاخذها الى مكة قال فرابت اخي ميكائيل واسرافيل

ومعها قدح مملوء من ماء وزهر فضق فوادى جبريل عليه السلام
واستخرج قلبي وتسلطه واستخرج منه مضغته سوداء وانفاها الى
الارض وقال يا محمد هذا حط الشيطان منك فلا خرجته
من قلبك فليس له عليك سبيل ثم وضع قلبه مكانه وخاط
عليه بجمط وقال عليه الصلوة والسلام الخ لم ارى لذلك الماه
ولا وجعا ولا شاة ثم صليت ركعتين خفيفتين على املة الج
ابراهيم لتخليل عليه السلام ثم خرجنا من الحرم المكي الى باب
فرايت ابراق يقودها ميكائيل عليه السلام وهي دابة لا تشبه
دوابكم هذه دون البعل وفوق الخمار نحر مججلة الثاوث مقلوفة
ايمين فلما راسها تحج من روتها وخلقها راسها من الكافور
الابيض اذ انما من الغبر سجاها مثل الكوكب معرفتها مسبة
الشعور لها ذنب كذنب البعير فوضعت يدي على ظهرها فاضطربت
وارتحفت ترجعها جبريل عليه السلام وقال اما تسعين يا ابراق
من سيد الخلق وانق الخلق ورسول الحق المبعوث بالرحمة والهداية
والرضوان صاحب الحقيقة ابيضاً والنفاحة العظيمة والخوض
والكوش والوجه الاحمر الانور فاخرجت نسانها وقالت
يا جبريل سألني هذا النبي الكريم ان يدخلني في شفاحة الجنة
فقلت لها يا ابراق اسقيات من داو ب الجنة فقالت نعم ^{الله} يا رسول
انا من داو ب الجنة فقلت لها لا تخافي وانت من داو بها فقلت

فقلت فقالت يا رسول الله خرجت من الجنة فاخاف ان لا اعود
اليها كما خرج ادم عليه السلام منها فلا يعود اليها الا ليوم القيمة
فقال لها عليه الصلوة والسلام لا تخافي واسئني ريفتي ومعى
في الجنة فركبتها فزابت منها عجا وكان الكاشف لجالا لها
ميكائيل عليه السلام والاخذ بركابها ميكائيل عليه السلام
والاخذ بزمامها جبريل عليه السلام فطارت في بين اسماء
والارض واقفا وكانت اذا طلعت واديا قصرت يديها وطالت
رجلها واذا انزلت من وادي طالت يديها وقصرت رجلاها وانا
لا اسمع مشيا ولا هزا ولا نفا ولا ينول ولا تقوط فلما وصلنا
الى البيت المقدس واخذ جبريل يدي وادخلني الى المسجد
الاقصى وربطه ابراق على يايه باذن من جبريل وقال له اعقل
وانكحل لانه عليه الصلوة والسلام لم يربطه اولا بل اطلقه
هكذا من غير ربط فقال تو كما لو على الله فقال له اعقل وانكحل
يا محمد فرايت الانبياء الذين تقدموا قبلي فلما راو في كبر
والجوع ورفعوا اصواتهم بالنهليل والتكبير وقالوا الصلوة والسلام
عليك يا رسول الله ثم اذن جبريل عليه السلام فقال
الصلوة والسلام عليك يا رسول الله الصلوة والسلام عليكم
يا معاشرة الانبياء هذا امامكم قد حضر الذي انتم موحودون فيه
من تقدم ثم تقدمت وصليت بهم ركعتين على املة الج

ابراهيم عليه السلام فلما قضينا الصلوة تقدموا الى وصلحوني
الجميع وقالوا يا محمد ابشر بالخير فيك وفي امتك الى يوم القيامة
واذ ابنا لثا فقلح سطرت بين يدي امامي قدح من ماء وقدح من
خمر وقدح من لبن فاخذته العطش فسمعت هانقا يقول من فوق
راسي ان اشرب محمدا من لثا تحرق امته من بعده وان اشرب بالخمر
يعني خمر الجنة ليس مثل هذا التلوعون لتعلموا لاهله في الدنيا ويباؤون
الى النار وسكت القائل فعلم ان الخيرة في الحليب فشرب منه الا قليلا
يعني فضله فيه فضلة فقال القائل لو شربت **محمد صلى الله عليه**
وسلم الحليب جمعه ما احدا من قته يدخل النار ابدا بل الى الجنة
فقلت يا ابي يا جدي بل ردد على ما بيني وبينك فقال يا محمد جري
القطر بما حكم وما هو في القدر اعلم فقلت الله اكبر كان هذا في الكتاب
مسطورا ففهم من قال هذه تكبيره الوفا ومنهم من قال ان تكبيره
الوفا الذي كبرها عند نزول الآية وان قصة الاسراء والمعراج هذه
قبل ان تولد حديجة بها ظمئة الزهري وقيل قبل حملها فتكون هذه
اولا ثم نزل القرآن بعد المعراج ايات مفصلة بحسب الوقائع
واما التشبه والعهد قديما قبل النبوة والبعثة وكان بمكة فلما
رجع صلى الله عليه وسلم من الاسراء نيا الى مكة فاول
من اخبر بمبناه للمعراج حديجة رضي الله عنها ونفعني بها
فصدقت به وامنت بذلك فلما اصبح اخبر المسلمين فاول

فاول من سبق بالصديق ابو بكر الصديق رضي الله تعالى عنه
وكان اسمه سجدة لله بن عثمان ولقب ابيه ابي خفاقة فاقام النبي
صلى الله عليه وسلم بعد النبوة بمكة عشر سنين وقال
عليه السلام اخذ بيدي رضوانا الى الجنة واوراني قصر
حديجة في الجنة واخذ من شجر القصر تفاحه وقال
اعطها الى حديجة واضعها اياها وقال ان الله تعالى يزك
بنات اركبة سيده النساء الذي خلقهن الله من خلقه وليس
اشرف ولا افضل ما خلق منها ونسبها فاطمة قالت حديجة رضو
الله عنهما لما حملت بها وجدت راحة الجنة فعلم انها كانت
حملها حيفا انكلى في بطني وانا اكلها اوتيا وضعتها كانت راحة
الجنة في فاطمة وكان صلى الله عليه وسلم اذا اشتاق الى راحة الجنة
يقبل فاطمة ويقول فيها راحة الجنة ثم هاجر الى المدينة واقام بها
اشي عشر سنة وشهرين وتوفى صلى الله عليه وسلم وهو ضايفه
معاشر المسلمين انشاء الله الجنة **قال حذيفة** بن اليمان رضي الله تعالى
عنه خرج مع النبي صلى الله عليه وسلم الى بيت الله الحرام مع
نفر من المهاجرين والانصار وكانت حجة الوداع فلما قضينا مناسكا
استند النبي صلى الله عليه وسلم بظهره الى البيت الحرام وبكى بكاء
شديدا حتى اقبل عارضاه فقلت يا رسول الله لا ابيك الله لك
سينا الامن خشية الله ثم قال يا حذيفة اسم ان بكاي هذا

مخافة علي المتخفي في اخر الزمان فقلت يا رسول الله ابكي عليهم
وقد نذر فرا بعوا بحمد الامام وبذاتك الشريفة يا رسول الله قم قال
ياخذ يقه اخاف ان تركوا سبع حصال ابتلا ثم الله بسبع حصال
ان تركوا الدعاء من اجلهم البلاء وان تعاشوا بالزنا ابتلوا بصعوبة الموت
وان تعاقبوا من الصاوة ابتلوا بموت النجاة وان منعوا الزكوة منع
الله البركة من بين ايديهم وان طفقوا المكيال قبل الله عنهم الثبات
وان نجسوا الميزان حبس الله عنهم المطر وان خلطوا الير بالشعير انزل الله
تعالى الضمور في قلوبهم لحيوم القيامة **فصل في غزوه** تقام مرج التغير
يتبعان بينهما برزخ لا يبعثان قال الامام الفخر الرازي في تفسيره
النبوة من فاطمة رضي الله عنها وبحر الفتوة من علي رضي الله عنه
والبرزخ هو الحاجز وقوله تقام يرج منها اللؤلؤ والمرجان فاللؤلؤ
هو الامام الحسن والمرجان هو الامام الحسين وهما اهل السعادة
في الدارين واهل العهد والشدة واهل الطريقة والحقيقة وهما
الحق بهما وسئل عن شجرة طوبى عليه الصاوة والاسلام فقال
اصلاها في بيت علي رضي الله عنه ثم قال **صلى الله عليه وسلم** انا
شجرة وفاطمة محلها وعلي اعقابها والحسن والحسين ثمرها
واجبا بنا البيت ورقها وكلنا في الجنة ومن بعد النبي صلى الله
عليه وسلم ورت العهد والشدة والفتوة الامام علي بن ابي طالب
رضي الله عنه ومنه رضي الله عنه الي وكديده الامامان

الامامان هما امان سيدى الشبان اهل الجنة وقرىبا حسين اهل
السنة الحسن والحسين رضي الله تعالى عنهما وعن والدهما والدة
وحدة تهما والصحابة اجمعين وقد شد الامام علي رضي الله تعالى عنه
في زمنه سبع رجال فكان اولهم سلمان الفارسي رضي الله عنه
واجازه علي سبع صنایع ولم تنزل هذه الفتوة والشدة والعهد
من زمن خليفة الخليفة الي وقت هذا **ابواب التاسع**
في بقية اهل الصنایع واهل الشدة والعهد والمخاوات وانها في
اصلاها كانت لسبعة من الملكة وهم جبريل وميكائيل واسرافيل
وعزرائيل ورضوان خازن الجنة ومالك خازن النار وراجيل
خازن السموات وكل واحد منهم جند في السماء وجند في
الارض ومن الانبياء سبعة ادم وشيث ونوح وابراهيم
واسماعيل وادريس وداود والذين توارثون من بعدهم سبعة
ايضا من الانبياء هود وصالح وشعيب ويعقوب وموسى وعيسى
ونبينا وشفيقا وسيدنا ومولينا **محمد** صلوات الله وسلامه
عليهم اجمعين والصحابة والتابعين ومن الصحابة الامام **علي بن ابي**
طالب وسلمان الفارسي والحسن والحسين وطلحة بن عبد الله والزبير
وعبد الرحمن بن عوف واذر الغفاري وسهيل بن جبل وسعد و
مصعب وابي عبيدة عامر بن الجراح وانس بن مالك خادم رسول
صلى الله عليه وسلم ورضي الله تعالى عنهم اجمعين ثم انتقلت

هذه الفتوة الى سبعة من الاقطاب فكان منهم زين العابدين
وسيدى عبد القادر الجليل وسيد ابو العليين **احمد الزايعي**
وسيد ابو الفراج **احمد البندكي** وسيد ابو العيين **ابراهيم التوسفي**
وسيد ابو علي حامي شكري **سعد الدين الجبالي** وسيدى
عبد الوهاب الشرفي كلهم من الاقطاب وصاحب العلم
وصاحب العهد والتشد والانارة والفتوة فدت اسرارهم
ورضى الله عنهم جميعين الى زمن محمد بن علي الدونقي
وروى الشيخ محمد الفيكاري وشيخ زاهد الصومعي في سنه
سئل عن اصحاب الجمل **فاجاب** احدى وسبعين واربع مائة
وقليل من الناس لا يعرف هذه السلسلة لانهم يعرفونها ابدا
من بعد معرفتهم بها فيجب على من كان كبير قوم وينصد في الجمل
الاجاز ان يعرف ذلك وتمسك به حتى اذا سئل عنه يجوب كذلك
من يدعي انه احمي بابا يسئل وتمسك بذلك وعن اصله ويجب
على كل شيخ من مشايخ الحرف والصنایع لان يكون عالما عارفا
بالطريقة والحقيقة واذا سئل عن شيء من امور الدين يجيب
ولا يخفي شيئا ابدا وقد اجاز الامام **علي بن ابي طالب** رضي الله عنه
سلما ان الفارسي يسبع صنایع وهو شذ سبيع رجال على كل
صنعة الحلاقة والحداوة ودرق الامواس والسكاكين و
والجياطة يحيط الاثواب والسر او ويل والجياح والشرج منها

منها ويعزل القب والاطناق الذي للجياح وكل ذلك كان يعمل
في زمانه وقد شد على كل صنعة شيئا ففهم باذرا تغفاري
فكان يجيظ الارحال الجمال والابغال والمراشع للحمير والارشا
للجمال والجم الخيل **فصل في بيان مشايخ السبعة** وازمتهم وهم
السبع الصنایع او لهم الحلاقة والحداوة والمجارين والجياطين
والجياكين والبا بوجيه والحياكة فعولا هم السبعة الازمة
ومعناها الازمة يعني الداخلين فيهم وهم كانوا في الاصل لهم
الذي بنى الله شيت عليهم وعلى سائر الانبياء والملئكة وعلى
بنينا وشفيقا محمدا فضل الصلاة واتم السلام فهو يدرك
صناعة وكل الناس يحتاجون اليه ثم اقرت من بعدهم
وزمانهم الى من بنينا وسيدنا ومولينا محمدا صلى الله عليه
وسلم وعلى اخوانه من الانبياء والمرسلين والملئكة والمقرنين
والصحابية والتابعين وعلينا وعليهم جميعين فهو صلى الله
عليه وسلم زمامهم لتسخ شريقتهم فسخ شريقتهم الفرو وكل
من كان له صنعة فهو سيدها واساسها في معارفها وقد
تفرغ من كل صناعة السبع حرف وسموها صنایع الح
سبعين وقيل بعضهم اثنان وسبعون صنعة ونصف صنعة
وهي للمقابلة التي تولد النساء فاحفظ هذا واجعله في
بالك فان كل من فهم غير هذا الفهم والربط والمعرفة

هذه السلسلة الشريفة المتأخذة عن نبي الله واصحاب
رسول الله صلى الله عليه وسلم فيكون لا اعتقاد له وبغير
مبين اي باين بل هو دليل باطل غير هذا الدليل وهذا
هو الصحيح **الباب العاشر** في بيان اداب الشيخ العارف والمخازن
وفي الشد والعهد والمحاوات والصدق والامانة قال الله
بارك وتعالى انما المؤمنون اخوة فاصطوبوا بين اخوتكم الاية
فالمحاوات ثابتة بالكتاب والسنة واجماع المسلمين اما المخا
فهو قوله تعالى انما المؤمنون اخوة الاية واما السنة فاروى
عن عبد الله بن مسعود رضي الله تعالى عنه انه قال قال رسول الله
صلى الله عليه وسلم اتلم اخا تلم لا تجذله ولا يحقره و
وقوله اكثر واكثر من الاخوان والاحباب فانهم ينفعون في الدنيا و
في الآخرة اما في الدنيا فالعهد والشد واما في الآخرة فالناجى
ياخذ بيد اخيه في الدنيا والآخرة وقوله عليه الصلاة والسلام
يحتسب العبد يوم القيمة مع من احب وقال الله تبارك وتعالى **ومن**
اوفى بما عاهد عليه الله فسيؤتيه اجرا عظيما فانه تعالى
قرن وفي العهد بالتقوى فهو سر رسول الله فالو يصح التوا
بالعهد الا مع التقوى ويجب على كل من يدعى الشيخة ان يكون
مصاناً صادقاً أميناً ليبياً عارفاً مثل هو الاقطاب السبع
المتقدم ذكرهم الذين اخطوا العهد والشد والطريقة

والطريقة والشريعة والحقيقة والمعرفة وهم احق بها ورضاهم
ورضاهم مقربوا برضا مولاهم والا اعتقاد بهم واجب وبعضهم
غضب فمن شك في ذلك كفر وطغى وبتقى ونمرد فالعهد
سعهدهم وشد شداهم لاسيما اهل الكسف والزهد والورع
والعلم والقرات القران والمداومة على الذكر والمحافظة على
التوضوء والصلوة الحسن في اوقاتها المنسوخ وحفظ التور
بين الكبر والشدود وسلوك الطريق وهي طريق الهدى
وحفظ اللسان من الكذب والغيبة والغيبة والامانة و
ولا ائتم منسوبين من السيدة فاطمة الزهري والامام علي بن
ابوبال كرم الله وجهه ورضي الله عنهما وعلى من سلك على
طريقهم فلم عليه الغيرة والشفاحة كشفاحة النبيين
ثم اعلم ان اكبر الجائر عند الله تعالى ناقص العهد وما اهلك
الله عبداً قوما الا بانكارهم على ذلك واختلافهم ونقضهم
العهد فمن نقض عهدك فقد با. بغضب من الله وماواه جهنم
وساءت مصيراً وقوله تعالى فاما الذين امنوا فيقولون انه الحق من
ربهم واما الذين في قلوبهم مرض فيقولون ماذا اراد الله بهذا
مثلاً ونضل به كثيراً ويهدى به كثيراً وما يضل به الا الفاسقين
وقوله الذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه ويقطعون
ما امر الله به ان يوصل ويصدون في الارض اولئك هم

ويجب ايضا على من كان مشدودا بعهود ايات
يكون سميعا مطيعا متادبا في حق كبيره ومع جميع الاخوان له
ولا يجلس معه الا باذنه وان يجلس مدامه ويجدده خدمه
العبد لسيدك ولا يخالفه امرع المطابق للحق وان ضربه يتحمله
ولا يشككه لاحد حتى يسود بين الناس فاذا انتهى في التعرف
بمخنه استاذه في امور الدين فان راه صاحب صيانته وديانته
وامانه بسنده وبجاهده ويجعله مثل ولد له ولا صلبه وبعطيه
الامانه ولا يطلع عليه من يكون سنده بخبره ويكون سنده
وسعه في محفل من الناس حتى يشهدون له بالثبوت والعهود
والامانه والصيانته ويجلبه التليد المشدود ان يكون حافظا للعهود
الله وامانه لقوله تعالى **يا ايها الذين امنوا لا تخونوا الله والرسول**
وتخونوا ايمانكم وانتم تعلمون الاية ويحفظه فدكبيره ورتبه
وفي كل وقت يدعى له استغفر له وبعده في كل مجلس ويترجم
عليه اذامات ولا يدكره الا بخيره ولا يدكره ما كان يفعله
من ضرب لانه ما ضرب الا ناديا لله وان يود من كان يوده بخير
من كان يخبه واذا كان في مجلس ودخل عليه استاذه ورتبه
يقوه له واقفا على قدميه ولا يجلس حتى يجلس ويجبا ايضا
على الرجل الكبير المصنف في المعاش ان يكون عالما عارفا
بالكتاب والسنة فاريا كاتبها ما هرا متصدا فاحا مدا شاكرا

شاكرا الا نعم الله سبحانه صبورا خاشعا عمولا ولو صاحوا في
وجوهه اهل منا عده وحرقة لان فهم القوي والضعيف وسفيه
ولطيف وعامي وتريف ولا يعل صوته عليهم مثلهم فقد
حاوى النبي صلى الله عليه وسلم بين المؤمنين اثنين اثنين قوي
وضيف وعنى مع فقير وقال عليه الصلوة والسلام القوي
يجل الضيف والغني يجمل الفقير والاخوان بعضهم بعضا
وهم المهاجرين والانصار **وروي** عن ابي هريرة رضي الله عنه
ان الرسول الله صلى الله عليه وسلم قال اياكم والظن فان الظن
اكد للحديث ولا تحسوا ولا تجسوا ولا تفتوا ولا تحاسدوا
ولا تباغضوا ولا تباروا وكونوا عباد الله اخونا كما امركم المسلم
انوا المسلم لا يظلمه ولا يجذله ولا يحقره التقوى ههنا ثنا ويشير
المصدده بحب امر من الثران يحقره اخاه المسلم وكل المسلم على
المسلم حرام دمه ومعهده وماله ان الله تعالى لا ينظر الى جسادكم
ولا الى صوركم واعمالكم ولكن ينظر الى قلوبكم رواه الامام المسلم
والمختار رضي الله تعالى عنهما فالوجوز للمسلم الا ان ينصح اخاه المسلم
بين الناس ولا يصفه وجعه بل يكون بينهما في الخلق شتم
يقول له يا اخي هذا الامر الذي ات مرتبه يوجب يحط الله
ونخصبه فلو تفعله ويجب عليه ان يقبل نصيحتك ويقول له
جزاك الله عنى كل خير فان هذا من الاداب بين الاخوان

وحسن صداقة وتوافقته بين الناس فائدة **فصل في حق**
الشيخ الطريفي ان يكون جامعاً وحازم المعنى اربعة حروف **وهي**
التاء والميم والهاء والثمنون اما حرف التاء فغناه ان يكون الشيخ
برجته تراثياً ما كاله صفافاً ورزقه كفافاً ذليل مواضع لجميع
الناس **واما** حرف الميم ان يكون من ابناء ابطر كل شئ ولا يتكبر
من كلام ولا يهونه نفسه على احد من اهل حرفه **واما** حرف النون
ان معناه ان يكون برجته هوائياً يخطئه كانه في الحائط و
صاحبه كذلك **واما** حرف الهاء ان يكون الشيخ صالحاً
كالنور الساطع ينور على اهل حرفه كالسراج يضيء في البيت
المظلم المقيم وكذلك وما يجب على الرجل الكبير المعظم نفسه
اذا دخل على مجلس اهل الطريق واراد ان يجلس على بسط الطريق
ان يقف على بساط الطريق وان يضع ايهام قدميه اليمنى على
ايهام قدم اليسرى ثم يقرأ الفاتحة ويسلم على الصدر ثم يسلم
على الجاحسين ويدخل حتى ياتي بين الشيخ للطريق ويجلس على
رجله اليسرى ويرفع اليمنى ولا يتصلق بجوارحه الى السجادة
ويأخذ من الثلاثة عروق الموضوعات على السجادة العرق
الوسطى ويعطيه اولا الشيخ المتعاهد والثاني ان يأخذ
من العرق الذي هو من جهة اليمنى للجالس عند كشيخ
من على يمينه ويعطيه للجالس على يسرة كشيخ ثم يأخذ

ثم يأخذ من العرق الذي جالس على يسرة كشيخ ويحتم فيه وينصب
فانما ولا يرجع الا بعد قرأته الفاتحة بين يدي الشيخ ولجالس
على اليسرة واليسرى ويسلم على الشيخ اولا وهو راجع بظهره ويسلم
بعد السلام على الشيخ على الخفاف اليمين والسلام بعده على اهلها
لخفاف اليسار ولا ينظر للقيب الجاهل الذي لا يفهم ذلك
بل يفعل هو ذلك وهو راجع بتالوت خطوات من وراءه حتى
ياتي الى الخلف الذي دخل منه عند النقيب ولا يعطي النقيب العرق
الذي اعطاه له النقيب حين دخوله على المجلس ويقرأ الفاتحة
ويجلسه النقيب وهذا الذي يطول في الطريقة مخالفة
لجاهلين لذلك والغافلين عنه واذ لم يفعل ذلك والاهو النقيب
جاهل يواخذون بالتأديب عن اولاد الطريق فانهم ترسند
وانك تساد عليهم جميع بذلك واذا دخل من اهل الطريق احد
على اهل الطريق وكان له حقاً على احد من اهل حرفه فدخل
ويسلم كما ذكرنا وبنتكي امره الى صاحب البسط ويحيى قصته
ولا يتكلم من كان له عليه الحق ان كان حاضراً بالمجلس حتى
ينتهي كلامه تشككي ولا يرد جواباً وهو وافقاً على قدميه
حتى ياله صاحب البسط ويقضي بينهما قال مؤلفها **روى**
عن بعض التابعين من اصحابه ان كان له حق على الامام
الحسين رضي الله تعالى عنه فاشتكى الى سيدنا ابي بكر رضي الله

عنه في زمن خلافته بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم فدعا
ابوبكر رضي الله عنه فجاء وهو مغموم من الشكوى فغفر في الطريق
في ايهام قدمه رجلاه الشريفه اليسرى قال اللهم هنا فلان
وصل الى طريق البساط وضع ايهام قدم رجلاه اليمنى فوثق
ايهام قدمه اليسرى ووضع يديه ناديا مراعا الشريعة
جاء صلى الله عليه وسلم كأنه يقول جئت متمك فقصني
بينهما ابوبكر الصديق واجلسه بخديبه رضي الله تعا
عنهم اجمعين فيكون وضع ايهام اليمنى على ايهام اليسرى
مخذه سنة الامام الحسن رضي الله عنه وعن الصحابة اجمعين
قال **عليه الصلاة والسلام** لم تنزل امتي بخير ما دام صغيرهم
يوثر كبيرهم وبحرمه ويحكي عن سيئكم **بعد الوفا الشكر**
انه ذات يوم جاء رجل من الناس يشكى له الفقر والفاقة
فقال له هل تقدمت على رجل في الطريق كبيرا لسن قال نعم
قال فالاجل ذلك سبحن الله رزقك وخيس عنك بسبب
تقدمك على الرجل الكبير فكيف من شتمه او سبه **وروي**
ايضا ان جبريل عليه وعلى نبينا وسائر انبيائه وملئكته
افضل الصلاة واتم التسليم ساهدا النبي صلى الله عليه
وسلم مرتين المرة الاولى في البيت المقدس بخضرة الانبياء
جميعا والثاني بالسماء بحضور الملائكة وكلهم قد

قد وضعوا ايديهم فرقى بعضهم بعضا وقال هكذا تكون
سلسلة العهد والشدة واما محمد الشدة فالونه للفوقاني
الاولى ميكائيل عليه السلام المثلث اسرافيل عليه السلام الثاني
جبريل عليه السلام وفي الارض ناولونه من الانبياء ادم وشيث
وابراهيم عليهم السلام واما المؤمنون لبعضهم بعضا الاربعة
الاولى محمد صلى الله عليه وسلم لانه الزمام الثاني علي بن
ابي طالب رضي الله عنه الثالث والحسن والحسين رضي الله
تعا عنهما وفي رواية الاخر سيدنا وشفيقنا محمد صلى الله
عليه وسلم الثاني الامام علي رضي الله عنه الثالث سلمان الفارسي
رضي الله عنه الرابع اباذر الغفاري رضي الله تعا عنهم اجمعين
فصل في اداب النقيب اللبيب وما يحتاج اليه من المعارف اعلم
ان النقيب اللبيب يكون عارفا حازقا ما هرا فصيحاً اللسان متكلماً
يرجع النطق اذا دخل على المجلس يهرع من فصاحته واذا اراد
ان يدخل بمسند ودينسند ويعاهد ويدخل في الطريق فيكون
المتشدد ومن خلف النقيب ويضع راسه بين كتفي النقيب ثم
يدخل على اهالي الطريق بناوت تسليم الاولي لاهل الصد
الثانية لاهل الخناج التامين الثالثة لاهل الخناج اليسار خالفا
لجاهلين الغير العارفين بمعارف اهالي الطرق ولم يفعلوا
ذلك فهذا من عدم معرفتهم وجاهلهم المحيط بهم فان هذا

ما اخذ الا بحسن الانبياء والملئكة والصحابه والتابعين
واذا عرفت فافهم ذلك وارجع من لا يفهم ذلك من التقياء
لجاهلين الاخذين الانبياء بنحوين العقول والتاركين سنن
الانبياء والملئكة والصحابه والتابعين واهالي الطريقة
لكل حرفه من خلقه لم ياخذوها الا بحسن الدلائل الشرعية
من الكتاب والسنة واصطلحوا على اصطلاح في طرق تفهم
يكون مطابقا لما جاء بحسن انبياء الله وملائكته وكتبه
وقال الله تعالى انا ارسلنا اليكم رسولا شاهدا عليكم فمن
اخذ بذلك نجح ومن خالف ما جاء به هذا النبي الكريم
خسر الدنيا والاخره فعوذ بالله من ذلك ويدخل على الجميع
ثم يدخل بناوت سلطات الاولى لاهل الصدور هي كشرعية
الثانية لاهل البصيرة وهي الطريقة الثالثة لاهل الميسرة
وهي الحقيقة والرابعة عند جلوسه بين يدي النبي وهي معرفة
ثم يقدم التليذ بين يدي استاذه فيجلس على ركبته كالصلاة
ويضع يده في يده ويغظيها التيق بمديل ايضا ثم يعاهده
ويكون بحضرة المشايخ للمعاليين عندهم من كل حرفه من
بحضرتهم ثم يلقنه الذكر وهو الاستغفار والتوبة بحسن
كل ما بغض الله وبلغه رسوله وبوصيه بنصوى الله والمحافظة
على الصلوات الخمس في اوقاتها وحفظ الرذ والعهد وعدم

وعدم الخفن والاشركان وترك شهوات النفس وانواع طريق
التفكك والنواضع تلو منين واعلم يا اخي ان النواضع لله لا للخالق
ولا يكون هذا الترتيب مخصوص بصناعة من الصنائع ولا
ولا حرفه واحدة من الحرف وانما يجب ذلك على كل صناعة
وحرفه فان لكل صناعة شيخ وزبير ومنير ونقيب
سارف تيب في الطريق حتى يعطيه الامانة والاشارة فيكون
يفهم ذلك والله اعلم **فصل في مسائل يحتاج لها المشدود**
فان قيل لك من اول مشدود في السماء ومن الثاني مشدود
ومن الثالث مشدود ومن الرابع مشدود ومن الخامس مشدود
ومن السادس مشدود ومن السابع مشدود فالجواب ان نقول
له اول مشدود في السماء هو جبريل عليه السلام وجعلوه
كبيرهم ومنيرهم **الثاني** مشدود في السماء هو ادم عليه
السلام **الثالث** مشدود ادم عليه السلام في الارض
الرابع مشدود هو شيث عليه السلام شدة ابوع ادم
في الارض بحضرة الملكة جبريل وميكائيل واسرافيل
وراحيل عليهم السلام **الخامس** ادريس عليه السلام **السادس**
نوح عليه السلام **السابع** ابراهيم عليه السلام واذا قيل
ونيتا محمد صلى الله عليه وسلم من شدة الجواب شدة
جبريل عليه السلام مرتين الاولى في السماء الثاني في الارض

والنبي صلى الله عليه وسلم سندا للامام علي رضي الله تعالى عنه
وعاهد العشرة الكرام البررة وهم ابي بكر وعمر وعثمان وعلي
وطحمة والزبير وسعد وسعيد وسعيد بن جبير وعبد الرحمن بن عوف وعاصم بن
النجاشي رضوان الله تعالى عليهم اجمعين واذا قالوا من اول افق
في الارض في هذه الامة للجواب فنقول لهم عن عمره افتوا علي
زمن رسول الله صلى الله عليه وسلم واجازهم بذلك سيدنا
ابوبكر الصديق وعمر الفاروق وعثمان الذنورين وعلي ابن
ابي طالب ومعاذ بن جبل وعمار بن ياسر وحذيفة وطلحة
انفاسي وزيد وابو الدرداء وسامر كلهم علي عهد خيرا لرسول
افوا وما نوا واذا قالوا لك الشد ما يكون والعهد ما يكون
الجواب الشد في الوسط تقوية علي العهد والشد والعهد
من النبي صلى الله عليه وسلم للامام ابي الحسن علي رضي الله
عنه الى باقي الصحابة العشرة الاسيدنا عثمان بن عفان
رضي الله عنه كان رسول الله صلى الله عليه وسلم ارسله الى
اهل مكة عام التحديتة فتاع عندهم بانهم قلوب بمكة
فعاهدهم صلى الله عليه وسلم فضرب صلى الله عليه وسلم يده
في يده الاخرى وقال اللهم ان عثمان ثابا في حاجته لله وسئل
وهذه يده فكانت بيد النبي صلى الله عليه وسلم واذا قالوا
لك تبساط لطريق ما ظاهر وما باطنه وما وجهه وما

وما فقاه وما اركانها وما اقرانه الاربعة للجواب لطريق طريق الله
والهدى تبساط وهي الارض وظاهرها العقل الصالح وباطنها
الجهل بالاحمال واما وجهها فجميع ما خلق الله تعالى وجه الارض
كالجبال والاشجار والبحار والانهار وجميع المخلوقات وبقاه
الصخرات والحاربه واما اركانها وقرانها الاربعة اركانها القران
الحسن وقرانها الائمة الاربعة الامام ابي حنيفة وامام
الشافعي وامام مالك وامام احمد بن حنبل رضوان الله عليهم
اجمعين ثم **الاقطاب الخمس** كما مر ذكرهم اصحاب القسمة واليهود
واصحاب الانبياء والاعلام واما قول هدم تعوام واذا قيل
لك ايش علي بينك وبين الجمع وايش كان علي بيار الجمع وما وزاه
وما قدومه وما فوته وما تحته الاقدام فالجواب بمسئله جليل
وزاسه نعيم اصيل وقدومه اسرافيل وفوقه الملك الجليل للآله
عن المكان والزمان اي فوقه قدرته وارادته سبحانه تعالى
فمذه علي غير قاعده ولا معرفة بل اذا قيل لك الى اين قادم
ولما عاهدوك من كان حاضر معك ومن كان عن يمينك ومن
كان عن شمالك ومن وراءك ومن خلفك ومن فوقك ومن
تحتك ونحت قديمك **فالجواب** ان نقول قادم الى عهد الله
الذي عاهد الله به عباده وانباخ رسوله فيما جابه وكان
معي المد كان الكاتبان العادلان الشاهدان الرقيبان

واما الكتاب الذي هو مسطرى ومن خلقه اجلى الذي اجله
الله في فاذا وقته لا يتقدم ولا يتأخر ومن خلقه ايضا على
ان كان طيبا فهو في خفة وان كان سيئا فهو مع ثقوله
صلى الله عليه وسلم القبر صدق العمل ومن فوق قدرة
الله وحكمه تعالى الله علوا كبيرا وكبريا وتحت قدمي نفسي
وهي روحى التي بين جنبي على قدر ما وعدت الله تعالى
واذا قيل لك انت كم جسد عدت حتى وصلت الى ميدان
على الكوارضى الله تعالى عنده وجلست بين بساط الطريق
الجواب عدت على ثلاث جسد الاول هو الثاني **قوى**
الثالث **لوى** لاني حين انسبت الى استاذي كدت لا اعلم
شيئا وفي هوانى فلما حل على نظره وملك الصنعة منه
فقوت ولما ساهدته وشذنى وصرت الوى الباطل
واقيم الحق وقوله تعالى **وقل جاء الحق** وزهق الباطل اذ الباطل
كان زهوقا واذا قيل لك ابن موضع العقل منك وابن موضع
لغنة واين موضع الحياء واين موضع الطعم واين موضع
الذوق واين موضع الفرح واين موضع اللهو واين موضع
الريح واين موضع الغضب واين موضع الريح الرضى واين
موضع الشم واين موضع القوة واين موضع الصنك واين
موضع الصعف منك **فالجواب** عن ذلك الاشياء موضع

موضع العقل المزاس وموضع الحياء والغنة العبنان والطعم
بالغم والذوق هو العقل الزكى المميز الانشاء والفرح في النفس
واللهو في القلب والريح في الطحال والغضب في المرارة والضحك
في الرية والشم في الالف والقوة في الكفين والضعف في
الساقين واعلم يا اخي ان العبد المؤمن المسلم لا بد له من رجل
كبير يعلمه ويقربه ويفهمه امور دينه ودنياه وما فيه الحلال
له في الدنيا والاخرة ومن لم يجد معلما فليرجع الى الله تعالى ذلك
والمراد من هذا لا بد من كبير معلم يعلمك الآداب ومن لم يكن
له معلما وكبيرا فعلمه وكبير الشيطان فليحذر من ذلك
فان الشيطان لا انسان عدو ميين فانه قال الحسن البصري
رضي الله عنه اذا اتخذتم من الرجال اماما فاسئلوه عن اربعة
اشياء فان اجاب فاقتدوا به وان قال لا اعلم فلا تصلوه
خلفه والحمد واما صليتموه خلفه الاولى انت صليت
هذه الصلاة لاجلك ام لاهل القوم الثاني اتنا نحن اقتدنا
اقتدينا بك فيمن ات اقتديت الثالث اتخذناك اماما
وانت من اتخذت الرابع صلواتنا معك تم وانت صلواتك
بمن تم **الجواب** الصلاة لاجلى والنية لاجل القوم واقتد
واقتديتم لي وانا اقتديت بالقران العظيم فهو امامي وامامك
وامامك وسنة نبيه الكريم صلى الله عليه وسلم

وصالتي وصلاتك بالاتباع لسنة هذه النبي الكريم
صلى الله عليه وسلم وعلى سائر الانبياء والمرسلين
والملائكة والمقربين والصالحين والتابعين وعلينا معهم
صلاة وسلاماً دائماً ولحمد الله رب العالمين واوصيك
يا اخي ان تترك الحاحد في ستر من الاسرار **فصل** في بيان
صورة الاجازة الشريفة وقد جاء باسناد صحيح متصل الى
علي بن ابي طالب كرم الله وجهه انه قال قلت يا رسول الله
دعني على اقرب الطرق الى الله تعالى وافضلها عند الله تعالى واسهلها
على عباد الله تعالى قال النبي صلى الله عليه وسلم عليك بما نك
به التيق قلت وما ذاك يا رسول الله قال عليه السلام
مداومة ذكر الله تعالى في العلوات قلت يا رسول الله هكذا
فضيلة الذكر وكل الناس ذاكرون فقال النبي صلى الله
عليه وسلم يا علي لا تقوم الساعة على وجه الارض لمن
يقول الله فقال علي يا رسول الله كيف اذكر قال النبي صلى الله
عليه وسلم تخمض عينيك وانصت حتى اذكر نك مرآت وانت
تسمع متى ثم انت نك مرآت وانا اسمع منك فقال النبي صلى
عليه وسلم لا اله الا الله نك مرآت نافية عن عينية منبئاً
على شماله مغمضاً عينيه رافعاً صوته وعلى يمينه ثم قال لا اله الا
نافية عن عينية ومنبئاً الى شماله مغمضاً عينيه رافعاً صوته والنبي

والنبي صلى الله عليه وسلم يسمع واذى ما ارى وهبتي واما
كسبتي **واما وهبتي** فقد راى خير البرية في البرية وصعب
منافعة بالنبي صلى الله عليه وسلم ووصل النبي بشرف
صحبة النبي صلى الله عليه وسلم الى امة المقام وبفضله فقد
كان رحمه الله ورضي الله في زمان شبابه وصوبه خرج من رضاه
والده وبفضته وذهب الى بلاد حوران ووادي النجم بارض اشعيا
وحامى حما بتقدير من لا يخجلوا افعاله من الحكم برهبة من الزمان
فبلغ والده الخبر فاهتم لذلك ودعا الرحن اما ياخذ او بالاصح
او بالاصح فاستجاب له الله تعالى وسأه بالافراح فبينما هو ذاك
يوم في البرية متفكراً فيما هو يفعله من قطع الطريق البرية اذا
راى نك رجال فقصدهم الاخذ متعهم ولاموالهم فلما
وصل اليهم فالتفت اخذهم اليه لقصدا لانياء قال **الم يات**
لذي من انوا تخضع قلوبهم لذكر الله فقد ذلك حصل له الرشد
والجربة والغرام واستغرق في بحر الحقيقة وهام من قول رب العالمين
يدركة النبي الصادق الامين وحراس اصحاب المتقين وسقط
عن القهرس مابه نفس فاناه احدهم وقال له استغفر الله بعد
الضرب بيده الى صدره فلما افاق استغفر ربه وتاب اليه بما وقع
منه في سالف امره وصحاً من سكره وشرا به وهذا من تحركه
واصطرا به فلخرج احدهم نمرات من جيبه فاعطاه الى النبي

صلى الله عليه وسلم وقال سقاه يا خير الانام ففضل اشقاء غطف
فغطفى الشيخ ووصل الى المقام فكانت له ولذرت له هبة وكرامة
من الله تعالى بواسطة النبيه المبعوث من مضر في تمامه قالها
من نعم عظيمة ومنحة العالمة جسيمة والى ذلك اشارة بعض
الافاضل بقوله قد سقاه الله تعالى في حال الشهور وشربه
تجى قلوب اهل العراق من بدى خير البرايا الهاشمى وابن عم المصطفى
الشيخ الهام **واما الطريقة الكسبية** اخذها وتبسطها ونادى من يد
ابيه كشيخ يونس الشيباني واخذها وتبسطها ونادى من يد الشيخ ابو
ابى عثمان واخذها وتبسطها ونادى من يد الشيخ **عبد الله بن محمد**
واخذها وتبسطها ونادى من يد الشيخ **ابى سعيد الكاظمي** واخذها
وتبسطها ونادى من يد الشيخ **ابى الفرج الطوسي** واخذها وتبسطها
ونادى من يد الشيخ **ابى الفضل انجمي** واخذها وتبسطها ونادى
من يد الشيخ **ابى بكر محمد بن خلف بن محمد التستلي** واخذها
وتبسطها ونادى من يد الشيخ **ابو القاسم الجيد البغدادي** واخذها
وتبسطها ونادى من يد الشيخ **سرى نقلس اسقطي** واخذها وتبسطها
ونادى من يد الشيخ **ابى محفوظ معروف بن الفرات الكرخي** واخذها
وتبسطها ونادى من يد الشيخ **معروف بن يعلى بن امام موسى الرضوي**
رضي الله عنه واخذها وتبسطها ونادى من يد ابيه **امام جعفر**
الصادق رضي الله عنه واخذها وتبسطها ونادى من ابيه

ابيه امام **محمد الباقر** رضي الله عنه واخذها وتبسطها ونادى
من يد ابيه امام **زين العابدين** رضي الله عنه واخذها وتبسطها
ونادى من يد ابيه امام **ابى عبدالله** حضرت **حسين الشهيد**
البيسي ط دشت كربلا رضي الله عنه واخذها وتبسطها ونادى
من يد ابيه امير المؤمنين **حضرت علي بن ابي طالب** كرم الله وجهه
ورضي الله عنه ورضوان الله تعالى عليهم جميعا واخذها وتبسطها
ونادى من مفخر المجدرات واكمل الحجات ذبته بنحش مقام قاب
قوسين واودى رسول الفضلين وبنى الحسين و امام الفضليين وجد
السيديين وشفع من في الدارين وزين المشرقين والمغربين صاحب
الجمعين جبيب خدي وشفع روز جزى اعني به ابا القاسم
حضرت محمد المصطفى صلى الله تعالى عليه وسلم
واخذها وتبسطها ونادى عن روح الامين جبريل بحمير السلام
السقر ليله المعراج في شان سبحان الذي اسرى بين رب العالمين
تبارك اسمه وجل جلاله وعظمة كبريائه والاله غمير
وبين رسله الاصفياق صلوات الله وسلامه
عليهم جميعا وبارك واحسن
في زمرة المساكين والمحمد لله
لك بارب العالمين

Handwritten text in Arabic script, likely a list or index, covering the left page of the manuscript. The text is arranged in approximately 20 horizontal lines, though it is significantly faded and difficult to read. Some words are partially legible, such as "الكتاب" (the book) and "المجلد" (the volume).

Handwritten text in Arabic script, likely a list or index, covering the right page of the manuscript. The text is arranged in approximately 20 horizontal lines, though it is significantly faded and difficult to read. Some words are partially legible, such as "الكتاب" (the book) and "المجلد" (the volume).

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم رب السموات السبع ورب العرش العظيم اله ابراهيم
واسماعيل واسحاق ويعقوب والاسباط استخفين من خلقك
حيث شئت ما يدرك الله عظمتك بثرات اليفظان انت الذي
لاتنام انت الواحد الذي لا يملك الليالي والايام اسئلك بالاسئلة
التي سئلك بها ابراهيم خليلك فاطلب عنه النار والحفة
بها بالابرار وبالذي دعاه به نبيك موسى فابحيت بنى اسرائيل
من الظلمة واعتمقتهم من العبودية وسيرتهم به من البحر الى السير
وعرفت فرعون ومن اشعه وبالفرع الذي نصره به عبدك داود
فرفضه ووهبت له من بعد ضعف قوة ونصرته على جالوت
الجار فحزمته بالاسئلة التي سئلك بها سليمان نبيك ففحصه
الحكمة ووهبت له الرفعة وملكة على كل دابة وانت نجي الموتى
وتقنى انت الذي وجدك آواجد خالدا لا تقضى وجد يدك
لانبي اسئلك يا الهى ان ترحنى باجابة دعوتى فانى احوج

احوج مسكين من اصغف عبادك واقبل همم حبيبة وقد حمل
بناكوب محظوم وخطب شديد لا يطيق كسفت ذلك نهدك لاجول
ولا قوة الا بالله العلى العظيم فارحم ضعفنا بما شئت فانك ترجم
من فناء بانشاء **الله** نادى نبيك مظهر العجايب الذى له الاسماء
الحسنى وصفاته العليا وهو على كل شئ قدير اجب يا غير ائيل
سميعا مطيعا بحق هذه الاسماء العظيمة ان تقضى لنا حاجاتنا
كلها بحمدك سوناك فى المنائب الذى ملك كل شئ بقوته وقادر
على كل شئ بقدرته اجب يا سمانى سميعا مطيعا بحق هذه
الاسماء العظيمة ان تقضى لنا حاجاتنا كل ما الى الخا لله حاجنا
كل هو ونحم سينجى بعظمتك يا الله بالذى هم يحيى الترفى وفانم
السموات والارضين بامر اجب يا قراييل سميعا مطيعا بحق
هذه الاسماء العظيمة ان تقضى لنا حاجاتنا كلها بنورك
يا محمد وبر لايتك يا على يا على يا على وعلينا محتوحا دركنى ادركنى
ادركنى **الله** يا واجب الوجود يا مفيض الخيرة والبرودا فصن علينا
انوار رحمتك وديرنا الوصول الى كمال طاعتك اللهم اناسئلك
من التعمه تمامها ومن العصاة دوامها ومن الرحمة شوقها ومن العافية
حصولها ومن العيش ارحمها ومن النعم اسعدنا ومن الاحسان
انعمنا ومن الفضل عذبنا ومن اللطفت انفعنا اللهم كن لنا ولا تكن
علينا اللهم احتم بالسعادة اجالنا وحقق بالزيادة اماننا واقرن

بالعافية عدونا واصالنا واجعل لي رحمتك مصيرنا وما لنا بمصل
نصفوك على ذنوبنا ومن علينا باصلاح عيوبنا واجعل التقوى زادنا
وفردتك اجتهادنا عليك توكلنا واعتمادنا ثبتنا على نفع الاستغاثه
واعذنا من موجات الندامة يوم القيمة حفت سماءنا بالاوزار
وانزاقا معيشة الابد والنعنا واصرفنا عما ستر الانوار والحق رقابنا
ورقابنا وامهانا من النار برحمتك يا عزيز يا غفار يا كريم
يا ستار يا حليم يا جبار يا الله يا الله يا الله يا اول الاولين والآخرين
ويا ذا القوه القوتين ويا ارحم الراحمين برحمتك
يا ارحم الراحمين اللهم يا صانع كل مصنع ويا جابر كل كسير ويا مؤنس
كل وحيد ويا صاحب كل غريب ويا قارب يا قارب غير بعيد اجعلني
من امري فرجا ومحرجا يا ارحم الراحمين اللهم يا كاشف كل كربه ويا جيب
كل دعوى ويا جابر كل كسير ويا ميسر كل محسر ويا صاحب كل غريب ويا مؤنس
كل وحيد ومن لا اله الا انت سبحانك اسئلك ان تجعل لي فرجا ومحرجا
وان تغدق حبل في قلبي حتى لا يكون لي هم ولا ذكر نصلي ان تحفظني
وترحمني يا ارحم الراحمين اللهم اخذ اسئلك بين والقران الحكيم يا باعث
المرسلين ويا هادي المضلين يا من ينشأ الى صراط مستقيم ويا مبدئ
الاصالين يا مبدئ الفاسقين يا عزيز يا رحيم يا من جعل في اصنافهم
اعمالا لا يا من جعل من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاعتزنا
فهم لا يبصرون يا من يحيى ويميت يا من يكتب ما قدموا واثارهم

وكل شئ احصناه في امام بين يا من اهلك القرون وكل لده محقره
يا من يحيى الارض بعد موتها واخرج منه حيا منه ياكلون يا من
جعل في حاجات من نخل واصحاب ونخرا فيهما من العيون لنا كلوا من
نعم وما علمته ايديهم فالو ينكرون يا من مسح بكل انسان
يا خالق الازواج كلها بما تفتت الارض ومن انفسهم وما لا يعطون
يا من يخلق الليل من النهار فاذا هم مظلمون يا من قدر الشمس منازل
نجوى مستقرها ذلك فقدير العزيز العليم يا عزيز يا من قدر انفس
منازل حتى صادك العجرون التقديم لا الشمس تنفيها ان تدرك
الشمس ولا الليل سابق النهار وكل في فلك يسبحون يا من حملنا في
في الصلح المشحون وخلق من مثله ما يركبون فان نشاء نغرقنا
فلا صريح لنا ولا مهرب يا رحيم يا من خلق لنا انعاما وزللها
ننا قريبا اكلنا وركوبنا وجعل لنا فيها منافع ومشارب فالو ينكرون
يا من خلق الانسان من نطفة فاذا هو خصيم مبين يا من يحيى العظام
وهي رميم يا من نشأها اول مرة وهو بكل خلق عليم يا من
جعلنا من الشجر الاحضر نارا يا من خلق السموات والارض باقدير
يا خالق يا عليم يا امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون
يا ستوج يا قدوس ربنا ورب الملائكة يا من بيده ملكوت
كل شئ واليه ترجعون اللهم اخذ اسئلك بان لك الحمد لا اله الا
انت ائتنا يا احسان يا متان يا بديع السموات والارض يا ذا الجلال

والاكرام يا حي يا قيوم اللهم صل على محمد وارض عن جاحتي برحمتك
يا ارحم الراحمين لا اله الا انت سبحانك انك انت من الظالمين اللهم
افسلك باقى شهدائك انت الله لا اله الا انت الاحد الصمد الذي
لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد
واحكم الله واحدا لا اله الا هو الرحمن الرحيم يا ذا الجلال والاكرام
يا ارحم الراحمين اللهم انى اسئلك بانك انت الله لا اله الا انت
الواحد الاحد الفرد الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد
لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد وهو على كل
شئ قدير لا اله الا الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم
اسئلك باسمك الا على الا عجز الاجل الاكرم رب رب يا رب يا رب
لا اله الا الله والله اكبر لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك
وله الحمد وهو على كل شئ قدير سبحان الله ولا اله الا الله والله
اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم **الله** يا لطيف ادرى
بلفك الخفى انا محتاج ذليل وانت الغنى العزيز يا ثاب يا معين
يا احد يا نور يا زكى يا لطيف يا عدل يا محتر يا معين يا كريم يا با
يا دافع يا غنى يا تواب يا سالوم يا منكور يا ودود يا قاهر يا ظاهر
يا فتاح يا قادر يا جليل يا خير يا حبيب يا ذا الطول يا جبار
يا حنان يا منان يا ديان يا بصير سمع قلوب المخلوقات الروحانيات
من بخادم وبيات حوى حتى شرف هذه الاسماء الحسنى ويحوى

محمد فالدنى انزل عليه الايات الكريمة يا الله يا ارحم يا رحيم يا كريم
يا لطيف يا رب اللهم انى اسئلك بحق حقتك يا قديم الاحسان
يا صادق يا لا اله الا انت سبحانك انك انت من الظالمين اللهم
دعوتى بحرمته اسمك العظيم وبحرمته محمد صلى الله عليه وسلم
الله انى اسئلك يا الله الاقربين والاخرين ان تسخر لى بالحق والبر
والعطف والرحمة كما سخرت فرعون لى موسى عليه السلام ولين قلبه
ودوجه وجسده وجوارحه كاللينة الحديد لدا ورد عليه السائل
فانه لا ينطق الا باذنك وناصية وفي قبضتك وقلبه في يدك
سبل نتاؤك يا ارحم الراحمين اللهم بحرمته هذه الخدام السورة
التريفة ان تجذب قلب بالحجة كما يجذب المغناطيس الحديد **الله**
روحه واعضائه وقلبه وجسده بحق حقتك وبحرمته حرمتك
انبيائك والمرسلين وملئكة المقرئين وبحق يس والقران الحكيم
وبحق الم ذلك الكتاب لا يرب فيه هدى للضالين وبحق الم الله لا اله الا
هو الحق القيوم وبحق المص وبحق الم تنزيل الكتاب وبحق كعبه
وبحق طس وبحق ص والقران والذكر وبحق حم عشق والقران
الجميد وبحق الطور وكتاب مسطور فى رق منشور والبيت المعمور
والسقف المررفح والجر المنجور وبحق القلم وما يسطرون وبحق
التوراة وبحق الانجيل وبحق الزبور وبحق الفرقان العظيم العبد
الكريم المين كما قلت انت ونزل من القران ما هو شفاه ورحمة للؤمنين

ولا يزيد الظالمين الا خساراً و سبح اسمائك الحسنى المتعطرة المقدسة
المكرمة المطهرة المنورة و سبح عرش الكرس والروح والقلم و سبح
جبرائيل وميكائيل واسرافيل و جبرائيل و سبح الكروبيون والروحانيات
والملائكة المقربون و بحمده السموات السبع والارضين السبع الكواكب
والسماوات البروج واليوم الموعود وشاهد مشهود والسماء
والطارق النجم الثاقب والفجر والياقوت المشرف والشفع والوتر والليل
اذا ليس والليل والزيوت وطور سين وهذا البلد الامين و بحمده
ابنت الحرام وبالركن والمقام و بحمده بيت المقدس والانبياء الكرام
و بحمده انبيائك واصفيائك وعبادك الصالحين يا خير الناصرين
ويا حيا تالين يا قاضي الحاجات ويا مجيب الدعوات يا مقبل
الخيرات يا ولى الحسنات يا خاف القبيات وكانفت البليات
ان تقضى لنا حاجتنا وتبلغنى ما هو مقصودى ومرادى وتستر لى
الرزق وتقوم على وتلين لى قلبه ورحه وجرارحه بالتحبة
والمودة والعطف على كل محير بحمده اسم الله الرحمن الرحيم
يس والقران الحكيم انك لمن المرسلين على صراط مستقيم تنزىل
القران الرحيم نتدركوما ما انزى باؤهم فهم سافلون لقد
حق القول على اكثرهم فهم لا يؤمنون انا جعلنا فى سحافهم
اغصاناً لا يلقى الى الاذقان فهم مقمحون وجعلنا من بين ايديهم
سدّاً ومن خلفهم سداً فاغشىناهم فهم لا يبصرون وسواء

مطلع

وسواء عليهم انذرتهم ام لم تنذرهم لا يؤمنون انما ننذر من اتبع الذر
وخشى الرحمن بالغيب فبشره بمغفرة واجركريم انا نحن نحي الموت
ونكتب ما قدموا واثارهم وكل شئ احصيناه فى امام مبين **الشمس**
الرزق ازرعاً حلالاً طيباً باوكيد واستجب دعائى باورد ونعوذ بك
من تقصيرين فقراً والذين وقهر اعداؤك وشماتة الاعداء سبحان
المنفوس عن كل مذبذب سبحان ان تقبض عن كل مخزون سبحان لتخلص
عن كل مسجون سبحان العالم بكل مكنون سبحان تجرى الماء فى البحار
والنهرين سبحان من اراد شيئاً ان يقول له كن فيكون لى ما اكل
ملكك يا مالك لى ما احكم حكمك يا حاكم لى احاط علمك
يا علم لى تم حلك يا حليم لى علمتى من حلك يا عاظم لى
انلقى من كرمك يا كريم لى علمتى من نعمائك يا نعيم لى الصوب
اهلنى لى من العاصى اعنى لى كل نقص لى طهر نكسى لى تلنى
مرامى لى امط عنى الامى لى اسلك صانع حالى لى اسلك
حسن مثالى يا ناصرى يا راحمى يا رحمن يا رحيم يا الله يا هو يا طه
يا كهيعص يا حقيق يا الله يا محيط يا طس يا احكم يا ناهى يا يس
يا كاشى يا حامل يا املى يا على يا مملك يا امان يا محقق يا ق
يا ملك يا مهيمن يا حق يا ضم يا حنان يا الاله الاله هو يا هالى
يا ملهم يا حسن يا سنى يا معطى يا حاصل يا انيس يا سادى
يا مسؤل يا ملئق يا مسلط يا مئان يا محصى يا مطلع يا قائم

يا فتى يا مانع يا المنص يا ناطق يا معين يا مطلق يا سميع يا
يا ملحق يا مقبم يا منعم يا مقسط يا عاصم يا صانع يا ظاهر
يا قاصم يا منعم يا مقسم يا محقق يا كرم يا رابع يا كاسر
يا ملق يا فقار يا مريح يا مرسل يا مفرج يا مرهق يا ميسر يا
يا منير يا حكم الحاكمين الخفي للصالحين يا راحم الراحمين
امين يا الله العالمين اللهم الخاسلك يا الله الاولين والآخرين
ان تخبر قلوب المخلوقات الروحانيات بالحب والموودة والعطف
والرحمة كما سخرت فرعون لموسى عليه السلام وثبت في قلبه وروح
وجوارحه كاليت الحديد لداود عليه السلام فانه لا ينطق الا
بأذنه وناصية وفي قبضتك وقلبه في يدك جل ثناؤك يا ارحم
الراحمين اللهم بحمده هذه السورة الشريفة وبحمده حذام
هذه الاسماء العظيمة ان تجذب له قلبه وروحه وجسده
وجوارحه وعقله على محبة ومودة ومحطف كما يجذب المقاطير
لحديد واجذب بحق حقتك وبحمده محمد والله اجمعين وانبياء
والمرسلين والنبين وآلائكته المقربين وبحق بس والقران
الحكيم وبحق الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للذين وبحق
الم الله لا اله الا هو الحي القيوم وبحق المنص وبحق الم وبحق كعب
وبحق طاه وبحق ص والقران ذا الذكر وبحق حم عسق وبحق
حم والكتاب المبين وبحق ق والقران المجيد وبحق والطور وكتاب

وكتاب مسطور في رزق منشور والبيت المعمر والسقف المرفوع
والبحر المسجور وبحق ن والقلم وما يسطرون وبحق جميع قرانك العظيم
الكريم الكافي الخفي النور المبين كالكلمات ونزل من القران ما هو
شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الا خسارا وباسمائك
لحسنى المعظمة المكرمة المطهرة المقدسة المنورة وبحق العرش
والكرسى والروح والقلم وجبرائيل وميكائيل واسرافيل ونورائيل
وجملة العرش والكرسى والكواكب السبع السبابة وسجدة السبع
السموات والارضين وباسماء ذات البروج وباليوم الموعود و
ومشاهد ومنهود والسماء والطارق وما ادريك ما الطارق النجم
الثاقب والفجر وبالبحر والشفع والوتر واللبلب اذ ايسر وبحق
والتين والزيتون وطور سينين وهذا البلد الامين وبحمده البيت
المقدس وبحمده اوليائك واصفيائك وعبادك الصالحين
يارب العالمين ويا خبير الناصرين ويا مجيب السائلين وقاضي
الحاجات ويا مجيب الدعوات ويا مقبل العذرات ويا ولى
الحسنات ويا دافع السيئات ويا كاشف البليات ان تفضل لنا
حاجاتنا وتبغنى ما هو مقصودى ومرادى وتسخر لى الرزق
وتهون على وثباتى قلبه وروحه وجوارحه بالحب والموودة
والعطف وتسخر لى الرزق وتهون على كل حسير بحمده بس والقران
الحكيم وبحمده محمد والله اجمعين برحمتك يا ارحم الراحمين

افتمت ونعمت بحكم يا قوم مخلوقون وسفلون الروحانيون
بحق الغالب منع وسمائل يا جميع طيوش توكلوا قلبا المطلوب ونسحر
يا خدام هذه السورة الشريفة ما امركم ووكلكم بطفرة العين لانتم
هنا بالتمهات العجل العجل العجل الواح الواح الواح الساعة الساعة
الساعة بسلم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين يا حي يا قيوم
يا شافي يا كافي يا معافي يا هادي يا لطيف يا ظاهر اجباري ووقاي
علي وسحر قلب الخلق الروحانيات من العلويات والسفليات
سميما مطيعا بحمد الله رب العالمين وبحق الحي القيوم وبحق الملك
الجلد الموكل بالقرآن العرشية الرحمن الرحيم يا رحمن يا رحيم يا
باروف يا عطوف يا جبار يا جبرائيل علي وسحر قلب الخلق
الروحانيات من العلويات والسفليات سميما مطيعا بحمد الرحمن
وبحق الرؤف العطوف وبحق الملك هو ج الموكل بالقرآن العرشية
مالك يوم الدين يا مقلب القلوب يا سميعا يا سميعا يا سميعا
قلوب الخلق الروحانيات من العلويات والسفليات سميما
مطيعا بحق مالك يوم الدين وبحق مقلب القلوب وبحق الملك
طيوك الموكل بالقرآن العرشية اياك نعبد واياك نستعين
يا سميع يا قريب يا معبود يا مستعان اجب يا ميكائيل علي
وسحر قلب الخلق الروحانيات من العلويات والسفليات
سميما مطيعا بحق اياك نعبد واياك نستعين وبحق سريع الفري

السريع القريب المعبود المستعان وبحق الملك منع الموكل القران
العرشية اهدنا الصراط المستقيم يا قادر يا مقدر اجب
يا صر فيا نيل علي وسحر قلب الخلق الروحانيات من العلويات
والسفليات سميما مطيعا بحق اهدنا الصراط المستقيم
وبحق القادر المقدر وبحق الملك فصفر الموكل بالقرآن
العرشية صراط الذين انعم عليهم **يا الله يا حليم يا حكيم**
اجب يا عبيد نيل علي وسحر قلب الخلق الروحانيات
من العلويات والسفليات سميما مطيعا بحق صراط
الذين انعم عليهم وبحق الله العظيم الحكيم وبحق الملك
شبتخ الموكل بالقرآن العرشية غير المغضوب عليهم
ولا الضالين يا قديم يا عزيز اجب يا عزرائيل علي وسحر
قلوب الخلق الروحانيات من العلويات والسفليات سميما
مطيعا بحق غير المغضوب عليهم ولا الضالين وبحق قائم
العزيز وبحق الملك زطفي الموكل بالقرآن العرشية **اللهم**
انك تيسر في السموات الدورات ولا في الجبال المدرات
ولا في الانهار الازرقاء ولا في الاجساد حركات ولا في
القلوب حضرات الابدعوميتك حارات ولك شاهدات
وسلك الدالت وفي ملكك مستخرات فبقدرتك التي سخرت
بها اهل الارضين واهل السموات سحر مطلوب وسحر

مطلوب

ما في السموات وما في الارض الا الى الله نصير الامور هو الله
الذي لا اله الا هو العادرا نقاهر المعتدرا تغزير الجبار
المتكبر القوى المتين الشديد انفاها تفقار اللهم يارب
جبرائيل وميكائيل واسرافيل ونجرائيل ويارب نوح
واراهيم واسماعيل واسحاق ويعقوب ويا منزل
البركات التورات والانجيل والزبور والفرقان خالب
يا احكم الحاكمين ويا اسرع الحاسرين يا قديم بادالم با فرد
يا وتر بالحد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له
كفووا احد وصلى الله على خير خلقه ومطهر حقه و
ومحمد وعلى الله واصحابه اجمعين يا عزيز يا وهاب
برحمتك يا ارحم الراحمين واتخذ الله ربا العالمين اللهم
باركنا بحق ابي بكر الصديق وسحر الفاروق وسنمان
الذي النورين وصلى الترضي وحسن وحسين شهيدات
كربلاء رضوان الله عليهم اجمعين اللهم يا مفتح الابواب
لا اله الا الله الملك الحق المبين محمد الرسول الله صادق
الوعد الامين افتح علينا خيرا الباب يا حفي الاطراف
برحمتك يا ارحم الراحمين وضرب لهم مثلا واصحاب القربة
اذ جاءها المرسلون اذ ارسلنا اليهم اثنين فكذبوهما
فقولنا يا نياك فقا لواتا اليكم مرسلون قالوا ما اتم الا ينزل

بشر مثلنا وما انزل الرحمن من شئ انتم لا تكذبون قالوا ربنا
يعلم انا اليكم لم رسولون وما علينا الا اتباع اليبين **اللهم** الخ
اسئلك يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام بمهمة هذه اليات
الكريمة وبمهمة الاسماء العظم **اللهم** الرزق فارزقا مسالا لا
طيبا بلا كذب وانجذب دعائى باورد ونعوز بك من القضيض
ففرقا والذين فقر العداوة وشماتة الاعداء سبحان المنفس
عن كل مديون سبحان المفرج عن كل محزون سبحان المخلص عن كل
سجين سبحان العالم بكل مكنون سبحان تجري الماء في البحار
والعيون سبحان من اراد شيئا ان يقول له كن فيكون **اللهم**
الخ اسئلك يا الله الاولين والآخرين ان تسخر لي بالجنة والمودة
والعطف والرحمة كما سخرت فرعون لموسى عليه السلام
ولبنى ايلى ورحله وجده وجوارحه كما بنت الحديد
لداود عليه السلام فانه لا ينطق الا باذنك وناصية وفي
قبضك وقلبه في يدك جل ثناؤك يا ارحم الراحمين **اللهم**
بمهمة هذه الخدام السورة الشريفة ان يجذب وخرق قلب
بالجنة والمودة كما يجذب انقراطيس الحديد واجذب
قلبه وروحه واحضانه وجده بحق حقتك وبمهمة
حرماتك نبياك والمرسلين وملكك والمقربين وبحق
يس والقران الحكيم وبحق لم ذلك الكتاب لا ارب فيه

مطلب

هدى للفقير وبجريمة لم الله لا اله الا هو الحق القيوم وبجريمة
المص وبجريمة الم تنزيل الكتاب وبجريمة كعبص وبجريمة طس
وبجريمة ص والقرآن ذلكم وبجريمة حح وسق وبجريمة ق والقرآن
البيد وبجريمة والطور وكاب مسطور ورق منشور وايت التور
والسقف الخرفج واليهر الشجور وبجريمة ن والقلم وما سطره
وبجريمة التورية وبجريمة الانجيل وبجريمة الزبور وبجريمة
القرآن العظيم القديم الكريم المبين كما قلت انت ونزل
من القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين
الا خساراً وبجريمة اسمائك الحسنى العظيمة المقدسة المكرمة
المطهرة المنورة وبجنى العرش والكرسي واللوح والقلم وبجنى جبريل
وميكائيل واسرافيل وسخرائيل وبجنى الكروبين والروحانيون
واتلك الحكمة المقربون وبجريمة السموات السبع والارضين السبع
الكوكب والسماء ذات الاربوع واليوم للموحود وشاهد ومنهود
والسماء والطارق الخيم الثاقب واليهر ولبال بحنه والشفع والوتر
والليل اذا جسر والتمين والزينون وطور سينين وهذا البلد
الامين وبجريمة آيت الطرام وبالركن والمقام وبجريمة بيت المقدس
والانبياء الكرام وبجريمة انبيائك واصفيائك وعبادك
الصالحين يا خبير لنا صديق يا مجيب لنا نلين يا قاضي الحاجات
ويا مجيب الدعوات يا مقبل الخضرات يا ولي الحسنات يا تافسر

يا غافر السينات ويا كاشف البليات ان تقضى لنا حاجاتنا وتبلغنى
ما هو مقصودى ومرادى وتسخرنى الرزق وتهون على وتلين قلبه
وروحه وجوارحه بالتحفة والمؤدة والاعطيف على كل صبير وبجريمة
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين يا خى يا قيوم يا شاف
يا كافى يا معافى يا هادى بالطيف يا ظاهر اجب يا روقايل سميعاً
مطيعاً بجن الحمد لله رب العالمين وبجنى الحق القيوم وبجنى الملك
البيد الموكل بالقرآن العرشية الرحمن الرحيم يا رحمان يا رحيم
يا رؤف يا عطوف اجب يا جبرائيل على وسخر له قلوب الخلقوات
الروحانيات من العلويات سميعاً مطيعاً بجن الرحمن الرحيم
وبجنى الرؤف الأعطوف وبجنى الملك هوزج الموكل بالقرآن العرشية
مالك يوم الدين يا مقبل القلوب اجب يا شمسائيل على وسخر له
قلوب الخلقوات الروحانيات من العلويات والسفليات سميعاً
مطيعاً بجن مالك يوم الدين وبجنى مقبل القلوب وبجنى الملك
طيوكل الموكل بالقرآن العرشية اياك نغيد وياك نستعين باسريع
يا قريب يا معبود يا مستعان اجب يا ميكائيل على وسخر له قلوب
الخلقوات الروحانيات من العلويات والسفليات سميعاً مطيعاً
بجنى اياك نغيد وياك نستعين وبجنى سريع القريب للعبود والاستعداد
وبجنى الملك منفع الموكل بالقرآن العرشية اهدنا الصراط المستقيم
يا قادر يا مقتدر اجب يا صرقيائيل على وسخر له قلوب الخلقوات

الروحانيات من العلويات والسفليات سميعاً مطيعاً بحق اهدنا
الصراط المستقيم وبحق القادر المتقدر وبحق الملك فصقر الموكل
بالقرآن العرشية صراط الذين انعم عليهم **يا الله يا عليم يا حكيم**
اجب يا عياشيل على وسخر في قلب الخلق الروحانيات من العلويات
والسفليات سميعاً مطيعاً بحق صراط الذين انعم عليهم وبحق الله
العظيم الحكيم وبحق الملك تفتيح الموكل بالقرآن العرشية غير
المغضوب عليهم ولا الضالين يا قديم يا عزيز اجب يا عزيز ائيل
على وسخر في قلب الخلق الروحانيات من العلويات والسفليات
سميعاً مطيعاً بحق غير المغضوب عليهم ولا الضالين بحق قائم
العرش وبحق الملك ذطفى الموكل بالقرآن العرشية **اللهم** اته
ليس في السموات الدورات ولا في البحال التدارات ولا في الانحاء
الورقات ولا في الاجساد حركات ولا في القلوب حضرات الابدن ^{منك}
عارفات ولك شاهدات وحليك دالات وفي ملكك مستخرات
فقد ترك التي سخرت بها اهل الارضين واهل السموات وسخرت
مطلوبه وسخرت في قلوب الخلق الروحانيات من العلويات والسفليات
سميعاً مطيعاً بحق امين كما سخرت الريح سليمان عليه كساة
اللهم انصرفي بصراً عن ربك وافرحي ففخاً مينا اللهم لبيك
قلوب اعدائي كما لنت الحديد لداود عليه كساة اللهم ذلك
قلوب اعدائي كما ذلت فرعون موسى عليه السواوم اللهم عزني

عزني في قلوب عبادك بني ادم وبنات حوى صغيراً وكبيراً
ذكرراً وانثى حراً وعبداً حاصوا واطاماً رحمة او سلطانات
او وزيراً **اللهم** اكرمني بينهم اللهم اجعلني في حوزك وحفظك
واجوزك من شر كل عين ولائمة ومن شر ما خلق وزيره
ومن شر الجن والانس ومن شر حاسدا اذا حسد وظالم ومجاوب
وكاندو من كل من كبر جوار **اللهم** سخر في قلوب الخلق في قلبك
القلوب انك على كل شئ قدير اجب دعوتي واقض حاجتي
يا خبير يا قويم يا بديع السموات والارض يا مالك الملك يا ذا الجلال
والاكرام فان تو افعل حسبى الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب
العرش العظيم **اللهم** يا هادي لطيف عزمت واقضت باقوه علونك
والسفلون الروحانيون الذين بحق عليكم يا مفاش ويا بديع طوط
وسخر في قلوبكم يا خدام هذه العظمة ما اكرمكم وكنتم بظرفته
العين لانتم لها بالليل والنهار العجل العجل الواحا الواحاً
الواحاً الساعة الساعة **اللهم** اني استلك يا فقار
يا وهاب يا رزاق يا فتاح يا عليم يا قابض يا حافظ يا رافع
يا معز يا مدد يا سمع يا بصير يا باسط يا حكيم يا عدل اني
استلك بحق الاسماء العظيمة وبحرمة اسرار الكريم وبحرمة
اجل والزيور والتورية والفرقان القديم اني استلك انفضي
لنا حاجاتنا بهذه السورة الشريفة بحروفها انك على كل

على كل شيء قدير قالوا انا تطيرنا بكم لنمن ثم نذهبوا لرجعتكم و
ولم يستنكم ميثا عذاب اليم قالوا طائركم معكم ان ذكرتم بل استن
قوم مسرفون وجاء من اقصى المدينة رجل ابي قال يا قوم اتبعوا
المسلمين اتبعوا من لا يستلكم اجرهم مهتدون والى الا
ابعد الذي فطرن واليه ترجعون واتخذ من دونه الهة ان
يردن الرحمن بغير لاقن حتى شفا عنهم شيئا ولا ينقذون
ان اذا لقي ضاؤل مبين **اللهم** انى اسئلك يا مالك يا مؤمن يا مومنين
يا قادر يا قاهر يا عزيز يا كبير المتعال سميعا مطيعا وبحق تلك الغالب
اسمت وعزمت عليكم امرع طيكل وبحق قسطه بطل اليه يصعد
الحكم الطيب والعمل الصالح برفعه واقمت عليكم يا كعب فكذرا ليل
وكما في طلحوش تركلتما وسخرى مطلوبها اللهم سخرى مطلوبه كما سخر
سخرى البحر موسى عليه السلام وحرق قلبى وجسدى كما حرق النار
النفوس من كان لا يراهم عليه السلام ولين قلبى وروحي كما لينت
الحديد لداود عليه السلام وسخرى الريح والانس والجن والشياطين
لسليمان عليه السلام وسخرى البراق ل محمد صلى الله عليه وسلم
وباركنا اليكرا الصديق وعمر القاروق وعثمان الذانورين
وعلى العبد المكرار رضى الله عنهم اجمعين بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم انى اسئلك يا قاضى الحاجات وبارفع الدرجات فض حاجتى
برحمتك يا ارحم الراحمين **اللهم** ارزقنا رزقا حلالا طيبا بلا كذب

بلا كذب واسئلب دعاتى باورة وضربك من القضيحين فقرا والذين
وقهر العداوة وشمانه الاعداء سبحان المنفس عن كل مديون سبحانك
الفرج عن كل محزون سبحان المخلص عن كل مسجون سبحان العالم
بكل ممكن سبحان المجربى الماء فى البحار والعيون سبحان من اراد
شيئا ان يقول له كن فيكون **اللهم** انى اسئلك يا الله الاولين والآخرين
ان تسخر لى قلوب الخلق فى الروحانيات بالتحية والموودة والعطف
والرحمة كما سخرت فرعون لموسى عليه السلام فانه لا ينطق
الا باذنه وباصية وفي فضتك وقلبه في بلدك سجلنا ذلك
يا ارحم الراحمين اللهم بحمده هذه السورة الشريفة وبحمده
مدام هذه الاسماء العظيمة ان تجذب لى قلبه وروحه وجسده
ومجوارحه وعقله على محبة وموودة وعطف كما يجذب
المقناطيس الحديد واجذب ببحر حقائقك وبحمده محمد وآله
اجمعين وانبياء والمرسلين والنبين والملكة والمقربين وبحق
بس والقران الحكيم وبحق الم ذلك الكتاب لا يرفيه هدى للفقير
وبحق الم الله لا اله الا هو الحي القيوم وبحق المص وبحق الم وبحق
لكي يصح وبحق طله وبحق ص والفران ذى الذكر وبحق حم بحس
وبحق حم والكتاب المبين وبحق ق والقران المجيد وبحق والطلوع
وكتاب مسطور فى رق منشور والبيت المعمور والسقف المرفوع
والبحر المسجور وبحق ن والقلم وما يسطرون وبحق جميع قرانك

العظيم الكريم الكافي المغني المنور المبين كما قلت ان ونزلت
من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين
الا خسارا وباسمائك الحسنى المعظمة المكرمة المطهرة
المقدسة المنورة وبحق العرش والكرسي والروح والصلح
وبحق جبرائيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل وبحق العرش
والكرسي والملائكة المقربين وبحق السموات السبع والارض
وبالكوكب السبع السيارة وبالسماوات الاربع وباليوم التور
وشاهد ومشهود والسماء والطارق وما ادرك ما الطارف
النجم الثاقب والنور والليل والنور والليل ذا بدر
وبحق والذين والذين وطور سينين وهذا البلد الامين
وبحرمه البيت المقدس وبحرمه اوليائك واصفيائك
وبعبادك الصالحين يا رب العالمين ويا خيرا الناسرين
ويا مجيب السائلين ويا قاضي الحاجات ويا مجيب الدعوات
ويا مقبل العثرات ويا ولي الحسنات ويا رافع السيئات
ويا كاشف البليات ان تقض لنا حاجتنا ما هو مفصود
ومراد ونخبر الرزق ونهون سخطي ونلين قلبي وروحي
وجوارحي بالحجة والمودة والعطف ونخبر ونهون سخطي
كل عسير بحرمه بس والقران الحكيم وبحرمه محمد صلى
عليه وسلم واله اجمعين يا ذا الجلال والاکرام **الله** اني استلذ

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين يا حي يا قيوم يا كافي
يا هادي يا لطيف اجب بارقائيل سميعا مطيعا مخبرا قلوب
المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات بحق الحمد
رب العالمين وبحق انبياءهم اهداهم للطريق المستقيم وبحق الملك
المؤكل بالثقات العرشية امجد وبحق الطه طيب بحبونهم بحق
الرحمن الرحيم يا زورف يا عطوف يا جليل يا جميل يا رفعا
اجب يا جبرائيل سميعا مطيعا مخبرا قلوب المخلوقات
الروحانيات من العلويات والسفليات بحق الرحمن الرحيم وبحق
الزورف العطوف الجليل الجميل الوهاب وبحق الملك المؤكل
بالثقات العرشية هو رزق وبحق مهبطه طيب قل ان كنتم
تحبون الله فاتبعوني يحبكم الله مالك يوم الدين يا مالك
يا ذا الجلال والاکرام يا مقل القلوب والابصار يا رحمن
يا ملك يا متكبر يا سليم يا عظيم اجب يا سمعائيل سميعا
مطيعا مخبرا قلوب المخلوقات الروحانيات من العلويات
والسفليات بحق مالك يوم الدين وبحق مالك الملك يا
ذا الجلال والاکرام يا مقل القلوب والابصار الرحمن الملك
المتكبر العليم العظيم وبحق الملك المؤكل بالثقات العرشية
طيب كل وبحق قهطه طيب قد تغفها حجبا انا لئلاها
في ضال من ميسر بال ونعد وياك نستعين يا سريع يا قريب

يا مجيب يا معبود يا مستعان اجب يا ميسر يا سميعاً مطيعاً
ونحر في قلوب المخلوقات الروحانية من العلويات والسفليات
بحق اياك نعبد واياك نستعين وبحق السميع القريب المجيب
المعبود المستعان وبحق املك الموكل بالثغارات العرشية
منسحق وبحق فسطح طيل فاذا عرفت فوكل على الله ان الله
يحيا المتوكلين اهدنا الصراط المستقيم بحق القادر
المقدر المقدر الموفق الاول الاخر الظاهر الباطن اجب
يا اسديف يا سميعاً مطيعاً على ونحر في قلوب المخلوقات الروحانية
والعلويات والسفليات بحق اهدنا الصراط المستقيم وبحق
وبحق القادر المقدر الموفق الاول الاخر الظاهر الباطن
وبحق املك الموكل بالثغارات العرشية فصغر وبحق فسطح طيل
زيت للناس حبا الشهوات من النساء والبنين صراط الذين
انعمت عليهم يا الله يا رحمن يا نور يا قدوس يا سلام المؤمن
المؤمن اجب يا سميعاً مطيعاً على ونحر في قلوب
المخلوقات الروحانية من العلويات والسفليات بحق
صراط الذين انعمت عليهم وبحق الله الرحمن التور القدير
السلام المؤمن المهيمن وبحق املك الموكل بالثغارات العرشية
ثبتت وبحق فسطح طيل بحبوتهم وبحبوتهم ازلت
على المؤمنين اعزمت على الكافرين بحب المعصوب عليهم

عليهم ولا الضالين يا عزيز يا جبار يا غفار يا قهار يا قاطع
يا رزاق اجب يا سميعاً مطيعاً ونحر في قلوب المخلوقات
من العلويات والسفليات بحق غير المعصوب عليهم ولا الضالين
وبحق عز الجبار الغفار القهار الرزاق وبحق الملك الموكل
على الثغارات العرشية فصطع وبحق فسطح طيل واخر
تجوتهم نصر من الله وفتح قريب يا فاطم يا عزيز **الله**
اعزمت على قلوب عبادك من بني آدم وبنات حوى واكرمني
ببنتهم **الله** اجعلني في حرزك وحفظك واعوذ بك من
شر الجن والانس ومن شر كل حاسد اذا حسد ومن شر كل جابر
وكائد ومن شر كل متكبر مجتار **الله** الف في قلوب المخلوقات
بالحجة والموثقة يا مقلب القلوب انك على كل شئ قدير اجدر بحق
يا حي يا قيوم يا بديع السموات والارض يا مالك املك يا ذا الجلال
والاكرام **الله** اني اسئلك باللطيف يا خير يا حلیم يا عظيم
يا غفور يا شكور يا على يا كبير يا حفيظ يا مقيت يا حديد
يا جليل يا جميل يا كريم يا رقيب يا مجيب اني اسئلك بحق
الاسماء العظيمة والحكمة الكريمة والحكمة الخيرة والزيور
والقوية والفرقان القديم اني اسئلك ان تعضني لساناً
بهذه السورة الشريفة بحبوتها انك على كل شئ قدير
الله اجذب قلبه وروحه وجسده كما اجذب المغناطيس

اخي امنت بربكم فاسمعون قبيلا دخل الجنة قال يا ليت قومي
يعلمون بما تخفون عني و جعلني من المكرمين وما انزلنا
علي قومه من بعده من جند من السماء وما كنا منزلين ان كانت
الا صيحة واحدة فاذا هم خامدون يا حصرة على العباد ما
ياتيهم من رسول الا كانوا به يستهزئون المبرواكم اهلكنا
من قبلهم من القرون انهم اليهم لا يرجعون وان كل لما جيع
لدينا محضرون واية لهم الارض التي احييناها واخرجنا
منها حيا فنه ياكلون وجعلنا فيها جنت من نخيل واعناب
ونخرا فيها من العيون ليناكلوا من ثمره وما عملته ايديهم
افلا يشكرون سبحان الذي خلق الارواح كلها ما نبت
الارض ومن انفسهم وما لا يعلمون واية لهم الليل نسلخ
منه النهار فاذا هم مظلمون والشمس تجري لسقرتها ذلك
تقدير العزيز العليم والقر قدرناه منازل حتى عاد كالعرج
القديم لا نشمس ينغيها ان تدرك القمرو لا الليل سابق
النهار وكل في فلك يسبحون واية لهم انا حملنا ذريتهم في
الفلك المنحون وخلقنا لهم من مثله ما يركبون وان نشاء نفخهم
فلا يصيح لهم ولا هم ينقلون الارحمة منا وما نعالى
حين واذ قيل لهم اتفوا ما بين ايديكم وما خلفكم لعلكم
ترحمون وما ناتيهم من اية من ايات ربهم الا كانوا عنها

عنه معرضين واذ قيل لهم انفقوا مما رزقكم الله قال الذين
كفروا الذين امنوا انظمو من لوبنا الله اطلعوا ان انتم الا في ضا
مبين **اللهم** اني اسئلك يا مقبل القلوب والابصار ويا مدبر
الليل والنهار لاجب يا ميكائيل ويا برقان سامعاً مطيعاً
ويحي ظاهر اللطيف بافحام اجيبوا بحق الملك القالب عليكم
امر شينم ويحي قطع طويل فاذا اجابوا وعدرج دكا وكان
وعدرج حقاً واقسمت وعظمت يا الله عليك ياسدع بذائل
على سخرى بحرمة سيدك رجوع زيجوش **اللهم** اني اسئلك يا الله
يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام بحرمة هذه الايات الكريمة وبحرمة
الاسماء العظيمة **اللهم** الرزق ازرقنا حالاً لا طيباً بالوكذ وانج
دعاني باورد ونعوذ بك من القصحين فقرأ والذين قصرو
العداوة وشمانته الاعداء سبحان لمنغص عن كل مديون
سبحان المنفج عن كل مخزون سبحان الخالص عن كل مسجون سبحان
العالم بكل مكنون سبحان انجى الماء في البحار واتعون سبحان
من اراد شيئاً ان يقول له كن فيكون **اللهم** اني اسئلك يا اله
الاولين والآخرين ان تسخر لي بالتحبة والتمودة والعطف والرحمة
كما سخرت فرعون لوسى عليه السلام ولتبر لي قلبي وروح
وجسدي وجوارحه كالبيت الحديد لداور عليه السلام
فانه لا ينطق الا باذنك وناصية وفي قبضتك وقلبه في

مل

في يدك جعل تناوذك يا ارحم الراحمين **الله** بجرمة هذه الخدام
السورة الشريفة ان تجذب قلب بالحنة كما يجذب المغناطيس
واجذب بروحه وقلبه واعضائه وجده بحق حقا وجرمة
حرمته وانبيائه والمرسلين وملكه كل والمقربين وبحق يس
والقران الحكيم وبحق المذلل الكتاب لا يرفيه هدى للمتقين
وبحق الم الله لا اله الا هو الحي القيوم وبحق المص وبحق الم تنزيل
الكتاب وبحق كعبه وبحق طمس وبحق من والقران المذكور
وبحق حم سق وبحق ق والقران المجيد وبحق والطور وكتاب مسطور
فخر منشور والبيت المعمور والسقف المرفوع والجرى المنجور وبحق
وبحق ذ والقلم وما يسطرون وبحق التوراة وبحق الانجيل
وبحق الزبور وبحق الفرقان العظيم القديم الكريم المبين كما قلت
انت ونزل من القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد
الظالمين الا خسارا وبحق اسمائك الحسنى وصفاتك العليا
المعظمة المقدسة المكرمة المظهر المنورة وبحق العرش
والكرس والعرش والقم وبحق جبرائيل وميكائيل واسرافيل
وعزرائيل وبحق كروبيوتك والروحانيون والذوات الحكمة المقربون
وجرمة السموات السبع والارضين وسبع الكواكب والسماء
ذات البروج واليوم الموعود ونشاهد ومشهود والسماء والارض
الجم الثاقب والظفر والبال عنده والشفع والوتر والسبل اذا سرى

وبحق والذين والزيتون وطور سينين وهذا البلد الامين وبحق
البيت المقدس وجرمة اوليائك واصفيائك وعبادك الصالحين
يارب العالمين ويا خيرا الناسرين ويا مجيبا لتسائلين يا قاضي
الالحاجات ويا مجيب الدعوات يا مقبل الخيرات يا اول الحسنات
يا غافر السبئيات ويا كاشف البليات ان تقضى لنا حاجتنا
وتبلغنى ما هو مقصودى ونسخر الرزق ونهون على وتلين
قلبه وروحه وجسده وجوارحه بالحنة والمودة واقطعه
ونسخر الرزق ونهون على كل عسير بجرمة يس والقران الحكيم
وجرمة محمد واله اجمعين اقمم وغرمة عليكم يا قوم علوكم
وسفلوكم الروحانيون بحق الغالضغ وسمائل يا جميع طيغوش
نوكوا قلبا تطلبون وسخرى باخدام هذه السورة الشريفة ما اكرم
وكلكم بطرفة العين لانوم لها بالبل والتمار بسلامة الرحمن
الحمد لله رب العالمين يا حى يا قىوم يا كافي يا هاشم يا لطيف
اجب يا رقيب ايل سمعاً مطيعاً وسخرى قلوب المحلوقات من العلويات
والسفليات بحق الحمد لله رب العالمين وبحق الخى القيوم
الهادى للطيف وبحق الملك الموكل بالفائزات العرشية
ابجد وبحق اللطيف طيل بجنونهم كحلته الرحمن الرحيم
ياروف يا عطف يا جليل يا جميل يا وهاب يا جب
يا جبرائيل سمعاً مطيعاً وسخرى قلوب المحلوقات من العلويات

والسفليات بحق الرحمن الرحيم وبحق الرؤف العطوف الجليل
الجميل الوهاب وبحق الملك الموكل بالقائمات العرشية هورج
وبحق مهبطه طيل فل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحكم الله
مالك يوم الدين يا مالك اذكرك يا ذا الجلال والاكرام يا مغرب القلوب
والابصار يا رحمن يا ملك يا متكبر يا عظيم اجيب باسمائ
سميعا مطيعا وسخر في قلوب المخلوقات من العلويات والسفليات
بحق مالك يوم الدين وبحق مالك اذكرك ذا الجلال والاكرام
يا مغرب القلوب والابصار يا رحمن الملك المتكبر العليم العظيم
وبحق الملك الموكل بالقائمات العرشية طيب كل وبحق مهبطه
قد نفضها حقا ان انزلها في ضلال ميين اياك نعبد واياك
نستعين يا سريع يا قريب يا محجب يا معبود يا مستعان اجب
يا مبكاييل سميعا مطيعا وسخر في قلوب المخلوقات من العلويات
والسفليات بحق اياك نعبد واياك نستعين وبحق السريع القز
الجميل المعبود المستعان وبحق الملك الموكل بالقائمات العرشية
منع وبحق فمطه طيل فاذا عزمت فتوكل على الله ان الله يحب
المتوكلين اهدنا الصراط المستقيم بحق القادر المتقدر المقدم
المؤخر الاول الاخر الظاهر الباطن اجب يا اسرافيل سميعا
مطيعا وسخر في قلوب المخلوقات من العلويات والسفليات
بحق اهدنا الصراط المستقيم وبحق القادر المتقدر المقدم

المقدم المؤخر الاول الاخر الظاهر الباطن وبحق الملك الموكل
بالقائمات العرشية فصقر وبحق نهضه طيل زين للناس
حبال الشهوات من النساء والبنين صراط الذين نعمت عليهم
يا الله يا رحمن يا نور يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهين
اجب يا عنبيا ايل سميعا مطيعا وسخر في قلوب المخلوقات
من العلويات والسفليات بحق صراط الذين نعمت عليهم
وبحق الله الرحمن النور القدوس السلام المؤمن المهيمن
وبحق الملك الموكل بالقائمات العرشية شتخ وبحق مهبطه
يجوزهم ويجوزنه ازلت على المؤمنين عزت على الكافرين
غير المغضوب عليهم ولا الضالين يا عزيز يا جبار يا غفار يا قهار
يا فتاح يا رزاق اجب يا كسفا ايل سميعا مطيعا وسخر في قلوب
المخلوقات من العلويات والسفليات بحق سخر المغضوب
عليهم ولا الضالين امين وبحق سخر الجبار الغفار القهار
الفتاح الرزاق وبحق الملك الموكل بالقائمات العرشية
فصطم وبحق لجهه طيل وانحرى تجوزنها نصر من الله
وفتح قريب يا قائم يا عزيز اللهم اعز في قلوب عبادك
من بني ادم وبنات حوى واكرم من بينهم اللهم اجعلني
في حرزك وحصنك وحفظك واعوذ بك من شر الجن
والانس ومن شر كل حاسد اذا حسد ومن شر كل جابر وكان

ومن ثم كل متكبر اللهم الفضة قلوب المخلوقات بالحجة والمودة
يا مقبل القلوب اترك على كل شئ قدير ارجب دعوتى يا خي يا قيوم
يا بديع السموات والارض يا مالك الملك يا ذا الجلال والاكرام
اللهم انى اسئلك يا واسع يا حكيم يا ودود يا مجيد يا باعث
يا شهيد يا حى يا وكيل يا قوى يا أمين يا ولى يا حميد
يا محصى يا مبدئى يا معيد انى اسئلك بحق الاسماء العظيمة
وبحجرتك اسرار الكريمة وبحجرتك انجيل والزبور والتوراة والفرقان
القديم انى اسئلك ان تقضى لنا حاجاتنا بهذه السورة الشريفة
اللهم اجذب قلبه ورحله وجسده كما يجذب المغناطيس
وتقولون متى هذا الوجدان كنتم صادقين ما ينظرون
الا مسحة واحدة تاخذهم وهم يحضون فلا يستطيعون
توصية ولا الى اهلهم يرجعون ونفخ في الصور فاذا هم
من الاعداء الى ربهم ينسلون قالوا يا ويلنا من بعثنا من
مرفدنا هذا ما وعد الرحمن وصدق المرسلون ان كانت الاصححة
واحدة فاذا هم جميع لدينا محضرون فاليوم لا تنظم نفس شياً
ولا تجزون الا ما كنتم تعملون ان اصحاب الجنة اليوم في شغل
فاكهون هم وازواجهم في ظلال على الارائك متكون لهم
فيها فاكهة ولهم ما يدعون سلام قولاً من رب رحيم واما انما
ايوم رزقها المجرمون الم اعهد اليكم يا بنى آدم ان لا تعبد

ان لا تعبد الشيطان انه لكم عدو مبين اللهم انى اسئلك
يا مقبل القلوب والابصار ويا مدبر الليل والنهار ارجب يا صفيانك
ويا شمس وورش وبقان سامعاً طبعاً وبعث الملك الغالب امره
هو رزق واقسمت عليكم ايها الروحانيات بالانفخ بديانك بحق
سيدك رقيوس اللهم انى اسئلك يا الله يا خي يا قيوم يا بديع
السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام اللهم الرزقنا رزقاً
حالا لا طبعاً بالاكيد واسئب دعائى بالورد ونعوذ بك
من الغضب والفقراء والذين قهرت اعداؤهم وشمانته الاعداء
سبحان المنقذ عن كل مذبذب سبحان المنفرد عن كل محزون
سبحان المخلص عن كل مسجون سبحان العالم بكل مكنون
سبحان المجرى للماء في البحار والعيون سبحان من اراد شيئاً ان
يقول له كن فيكون اللهم انى اسئلك يا الله الاولين والآخرين
ان تسخر لى بالحجة والمودة والعطف والرحمة كما سخرت العبد
لتمسحى عليه السلام وتبين قلبى وروحه وجسده وجوارحه
كابتدئ الحديد لداود عليه السلام فانه لا يطق الا باذنك
وناصية وفي قبضتك وقلبه في يدك جل ثناؤك يا ارحم الراحمين
اللهم بحجرتك هذه الخدام السورة الشريفة ان تجذب قلب
بالحجة كما يجذب المغناطيس واجذب روحه وقلبه
واعضائه وجسده بحق حقتك وبحجرتك وانبياؤك

والرسولين وملئتك والمقربين وبحق بس والقران الحكيم
وبحق لم ذلك الكتاب لا رب فيه تهدى للفقير وبحق
لم الله لا اله الا هو الحي القيوم وبحق المنص وبحق المنزلة
الكتاب وبحق كعبه وبحق طس وبحق ص والقران
ذي الذكر وبحق حم عسق وبحق ق والقران المجيد وبحق والعلو
وكتاب مسطور في رق منشور والبيت المعمور والسقف المرفوع
والبحر المنجور وبحق ن والقلم وما يسطرون وبحق التوراة وبحق
الانجيل وبحق الزبور وبحق الفرقان العظيم القديم الكريم المبين
كائنات ونزل من القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين
ولا يزيد الظالمين الا خسارا وبحق اسمائك الحسنى وصفاتك
اعلى المعظمة المقدسة المكرمة المظهر المنورة وبحق
العرش والكوس واللوح والقلم وبحق جبرائيل وميكائيل
واسرافيل وعزرائيل وبحق كروبيون والروحانيون والملائكة
المقربون وبحمة السموات السبع والارضين وسبع الكواكب
والسماوات ذات الارجح واليوم الموعود وشاهد ومشهود والسما
والطارق النجم الثاقب والفجر واليا لعشر والشفق والوتر
والليل اذ ايسر وبحق والتين والزيتون وطور سينين وهذا
البلد الامين وبحمة البيت المقدس وبحمة اوليا نك
واصفيا نك وعبادك الصالحين يا رب العالمين ويا

يا خيراتنا صرين ويا مجيب السائلين ويا قاضي الحاجات و
يا مجيب الدعوات ويا مقبل العذرات ويا ولي الخسرات
ويا دافع السيئات ويا كاشف البليات ان نقضى لنا
حاجة ما هو مفقود ونسخر الرزق ونهون على ويلاتنا
قلبي وروحي وسجواحي بالمحبة والمودة والعطف ونسخر في ويلاتنا
على كل عسير بحمة بس والقران الحكيم وبحمة محمد صلى الله
عليه وسلم والله اجدين يا ذا الجلال والاكرام اللهم اني استنك
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين يا حي يا قيوم
اجب يا روف يا نيل على ما نسخر في قلوب جميع المخلوقات والروحات
من العلويات والسفليات سمعاً مطيعاً بحق الحمد لله رب
العالمين وبحق الحي القيوم وبحق الملك ابجد الرحمن الرحيم
يا رحيم يا روف يا عطف ويا جب يا جبرائيل على ما نسخر في
قلوب جميع المخلوقات والروحات من العلويات والسفليات
سمعاً مطيعاً بحق الرحمن الرحيم وبحق الرحيم الروح العطف
وبحق الملك هو راج مالك يوم الدين يا مقل القلوب اجب
يا سمائيل على ما نسخر في قلوب جميع المخلوقات والروحات من
العلويات والسفليات سمعاً مطيعاً بحق مالك يوم الدين
وبحق مقل القلوب وبحق الملك طيكل تاك نعيد وياك
نستعين يا سريع يا قريب يا معبود مستعان اجي يا ميكائيل

على ما سخره قلوب جميع المخلوقات والروحانيات من العلويات
والسفليات سمياً مطيعاً بحق اباك فعدواياك نستعين
وبحق السبع القريب المعبود المستعان وبحق الملك منسج اهدنا
الصراط المستقيم يا قادر يا مقتدر يا صاحب يا صر فيانيل على
ما سخره قلوب جميع المخلوقات والروحانيات من العلويات
والسفليات سمياً مطيعاً بحق اهدنا الصراط المستقيم
وبحق القادر المقتدر وبحق ملك فصقر صراط الذين انعمت
عليهم يا الله يا عليم يا حكيم اجب يا عنانيل على ما سخره
قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات
سمياً مطيعاً بحق صراط الذين انعمت عليهم وبحق الله العليم
الحكيم وبحق الملك شافع غير المغضوب عليهم ولا الضالين
يا قائم يا عزيز اجب يا عزرائيل على ما سخره قلوب جميع المخلوقات
والروحانيات من العلويات والسفليات سمياً مطيعاً بحق
غير المغضوب عليهم ولا الضالين وبحق القائم العزيز وبحق
ذلك ذ صنف الموكل بالقائمات العرشية اللهم انت
ليس في القوائم دورات ولا في الارض بحمارة ولا في البحار قطرات
ولا في الجبال مدرات ولا في الاشجار ورقات ولا في العيون
لحظات ولا في الانفس الحركات ولا في يوميتك عاقبات
ولاك شاهلات وعليك والات فقدرتك سخرت بها

بها اهل السموات والارض سخر امطوب وسخره قلوب جميع المخلوقات
والروحانيات من العلويات والسفليات سمياً مطيعاً بحق امين
يا رب العالمين انك على كل شيء قدير لاجب دعوتى يا حي يا قيوم
يا بدع السموات والارض يا مالك الملك يا ذا الجلال والاكرام
اللهم ان اسئلك يا حي يا ميت يا حي يا قيوم يا واجد
يا ماجد يا واحد يا احد يا صمد يا قادر يا مقتدر يا مقد
يا منخر يا اول يا اخر يا اسئلك بحق الاسماء العظيم وبحمته
اسرار الحكيم وبحمته انجيل والزبور والتوراة والفرقان القديم
الخ اسئلك ان تقضى لنا حاجاتنا بهذه الاسماء العظيم
وان اعبدك بهذا صراط مستقيم ولقد اضل منكم جبالاً
كثيراً اقم تكونوا تعقلون هذه جحمة التي كنتم توعدون
اصولها اليوم بما كنتم تكفرون اليوم تختم على افواههم
وتكفلنا ايديهم وتشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون و
لو نشاء لطمسنا على اعينهم فاستبقوا الصراط فاذي بصرون
ولو نشاء لسبخناهم على مكانتهم فاستطاعوا مضياً ولا يرجعون
ومن نعمه ننكسه في الخلق فاو يعقلون وما علمناه الشعر
وما ينبغي له ان هو الا ذكر وقران مبين اللهم اني اسئلك
يا مقبل القلوب والابصار ويا مديبر الليل والنهار اجب
يا صر فيانيل ويا شمس ويا برقان سامعاً مطيعاً

اللهم الرزقنا رزقا حلالا طيبا باركده واستجب دعائنا يا ورث
ونفوذيك من القضاة فقرا والذين هم أعداؤنا وشماننا
الاعدا سبحان المنفوس عن كل مديون سبحان المنفوس عن كل
محرور سبحان المنفوس عن كل مسجون سبحان العالم بكل
ممكن سبحان المجرى الماء في البحار والعيون سبحان من اراد
شيئا ان يقول له كن فيكون اللهم اني اسئلك يا الله الابرار
والاخريين ان تسخرني بالمحبة والمودة والنعطف والرحمة كما
سخرت فرعون لموسى عليه السلام ولينزل قلبي وروحي ^{جسدك}
وجوارحه كاليت الحديد لداود عليه السلام فانه لا ينطق
الا باذنك وناصية وفي فضلك وقلبه في يدك جبل ناثق
يا ارحم الراحمين اللهم بجملة هذه الخدام السورة الشريفة
ان تجذب قلب بالمحبة كما يجذب المنقسط طيس واجذب
روحه وقلبه واعضائه وجسده بحق حقتك وبجملة حرماتك
وانديانك والمرسلين وما اوتيتك والمقربين وبحق بس
والقران الحكيم وبحق الم ذلك الكتاب لا ريب فيه ^{الهدى}
للمتقين وبحق الم الله لا اله الا هو الحي القيوم وبحق الم تنزيل
الكتاب وبحق كهيص وبحق طس وبحق ص والقرات
ذا الذكر وبحق حم عسق وبحق ق والقران المجيد وبحق
والطور وكتاب مسطور في رق منشور والبيت المعمور والسقف

والسقف المرفوع والبحر المسجور وبحق ن والقلم وما يسطرون
وبحق التوراة وبحق الانجيل وبحق الزبور وبحق الفرقان
العظيم القديم الكريم المبين كما قلت انت ونزلت من الفرقان
ما هو شفاه ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الا خسارا
وبحق اسمائك الحسنى وصفاتك العليا المعظمة المقدسة
المكرمة المنطرة المنورة وبحق العرش والكرس والروح
والقلم وبحق جبرائيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل وبحق
كروبيوتك والروحانيون والملكوت المقربون وبجملة السموات
السبع والارض والسبع الكواكب والسماء ذات الريح واليهود
الموعود وشاهد ومشهود والسماء والطارق النجم الثاقب
والنجم واليالي عشر والتشفع والوتر والليل اذ يسر وبحق واليتين
والزيتون وطور سين وهذا البلد الامين وبجملة آيات المقدس
وبجملة اوليائك واصفيائك وعبادك الصالحين يا رب العالمين
ويا خير الناصرين ويا حبيب السائلين ويا قاضي الحاجات ويا مجيب
الدعوات ويا مقبل العذرات ويا واث الحسنات ويا دافع السيئات
ويا كاشف البليئات ان تقضى لنا حاجتنا ما هو مقصودى
وتسخر الرزق وتفقون على وتلين قلبي ورحي وجوارحي بالمحبة
والمودة والنعطف وتسخرها وتفقون على كل عسير بجملة اسم والفران
الحكيم وبجملة محمد صلى الله عليه وسلم يا ذا الجلال والاكرام

اللهم الخ اسئلك بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين
يا حي يا قيوم اجب يارب قبايل على ما سخر له قلوب جميع المخلوقات
الروحانيات من العلويات والسفليات سميعاً مطيعاً بحق الحمد لله
رب العالمين وبحق الخى القيوم وبحق الملك ابجد الرحمن الرحيم
يارحمه يارؤوف يا عطوف اجب يا جبرائيل على ما سخر له
قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات
سميعاً مطيعاً بحق الرحمن الرحيم وبحق الرجم الرؤوف العطوف
وبحق الملك هورج مالك يوم الدين يا مقلب القلوب
اجب يا سميعاً على ما سخر له قلوب جميع المخلوقات الروحانيات
من العلويات والسفليات سميعاً مطيعاً بحق مالك يوم الدين
وبحق مقلب القلوب وبحق الملك طيب كل اياك نعبد واياك
نشتهن يا سميع يا قريب يا معبود مستعان اجب يا ميكائيل
على ما سخر له قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات
والسفليات سميعاً مطيعاً بحق اياك نعبد واياك نستعين
وبحق السميع القريب المعبود المستعان وبحق الملك منسح
اهدنا الصراط المستقيم يا قادر يا مقتدر اجب يا صرقتك
على ما سخر له قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات
والسفليات سميعاً مطيعاً بحق اهدنا الصراط المستقيم
وبحق تقادر يا مقتدر بحق الملك فصقر صراط الذب نعمت

انعمت عليهم يا الله يا عليم يا حكيم اجب يا عنيا ايل على
ما سخر له قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات
والسفليات سميعاً مطيعاً بحق صراط الذين انعمت عليهم و
بحق الله العليم الحكيم وبحق الملك شنتخ غير المغضوب
عليهم ولا الضالين يا قائم يا عزيز اجب يا عزرائيل على
ما سخر له قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات
والسفليات سميعاً مطيعاً بحق غير المغضوب عليهم ولا الضالين
وبحق القائم العزيز وبحق ذضنغ الموكل بالقائمات العرشية
اللهم انه ليس في اقوام دورات ولا في الارض عمرات ولا
في الجار فطرات ولا في الجبال مدرات ولا في الانجار ورقات
ولا في العيون لحظات ولا في الانفس حركات ولا بد يوميتك
عارفات ولك شهادات و عليك دالات فيقدرتك التي سخرت
بها اهل السموات والارض سخرها مطلوبه وسخر في قلوب جميع
المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات سميعاً
مطيعاً بحق امين يارب العالمين انك على كل شئ قدير
اللهم الخ اسئلك يا ظاهر يا باطن يا والي يا متعك
يابد يا تراب يا منتقم يا عفو يارؤوف يا مالك الملك
يا ذل الجاؤل والاکرام يا مقسط يا جامع الخ اسئلك
بحق الاسماء العظيمة وبحرمة اسرار الكريم وبحرمة الجليل

والتزوير والتورية والفرقان القديم الحق اسئلك ان تعضني لنا
حاجاتنا بهذه الاسماء العظيمة لتند من كان جتاً وبيحت
القول على الكافرين اولم يروا اننا خلقنا لهم مما عملت ايدينا
انعاماً فهم لها مالكون وذللتناها لهم ففها ركوبهم ومنها
ياكلون ولهم فيها منافع ومنابر تالوا يشكرون واتخذوا
من دون الله الهة لعلمهم بنفوسك لا يستطيعون نصرهم
وهم لهم جند محضرون فالو بحزبك قولهم انا نعلم ما يسرون
وما يعلنون اولم يرا الانسان اننا خلقناه من نطفة فاذا هو
خصيم مبين اللهم الحق اسئلك يا مقلب القلوب والابصار
وبامدبر الليل والنهار احب يا صريف ايل ويا شهيد ويا برفقاً
سامعاً مطيعاً وبيحت املك الغالب امره هوزج وافمن عليكم
ايها الروحانيات بالاعج بفضائل بيحت سبتك ربيوس اللهم
انني اسئلك بالله يا حي يا قيوم يا بدع السموات والارض
يا ذا الجلال والاكرام اللهم لزرقنا رزقا حلالاً طيباً بالوكيد
واسنج دعاني بالورد ونعوز بك من القضيحين فقرراً والذين
قهر العداوة وشمانته الاعداء سبحان النفس عن كل مديون سبحان
المنفج عن كل محزون سبحان المخلص عن كل مسجون سبحان
العالم بكل مكنون سبحان انجى انا في البحار والعيون
سبحان من اراد شيئاً ان يقول له كن فيكون اللهم الحق اسئلك

اسئلك يا الله الاولين والآخرين ان تسخر لى مطلوبى بالحقبة
والمودة والعتطف والرحمة كما سخرت البحر لوسى عليه السلام
ولبنى قلبى وروحي وجسده وجوارحه كالنبت الحديد لدوره
عليه السلام فانه لا ينفق الا باذنك وناصية وقبضتك
وقلبه في يدك جل ثناؤك يا ارحم الراحمين اللهم بخرمة
هذه الحداة السورة الشريفة ان تجذب قلب بالحقبة والمودة
كما يجذب المغناطيس واجذب روحه وقلبه واعضائه
وجسده بيحت حقك وبخرمة حرمك وانبيائك والمرسلين
وما وسلك والمقربين وبيحت يس والقران الحكيم وبيحت
الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين وبيحت اسم
الله لا اله الا هو الحي القيوم وبيحت لم تنزل الكتاب
وبيحت كهيعص وبيحت طس وبيحت ص والقران
ذى الذكر وبيحت حم عسق وبيحت ق والقران المجيد وبيحت
والطور وكتاب مسطور في رق منشور والبيت المعمور
والسقف المرفوع والبحر المسجور وبيحت ن والعلم وما يسطرون
وبيحت التورية وبيحت الانجيل وبيحت الزبور وبيحت الفرقان
العظيم القديم الكريم المبين كما قلت انت ونزلت من
القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين
الا خساراً وبيحت اسمائك الحسنى وصفائك العلى

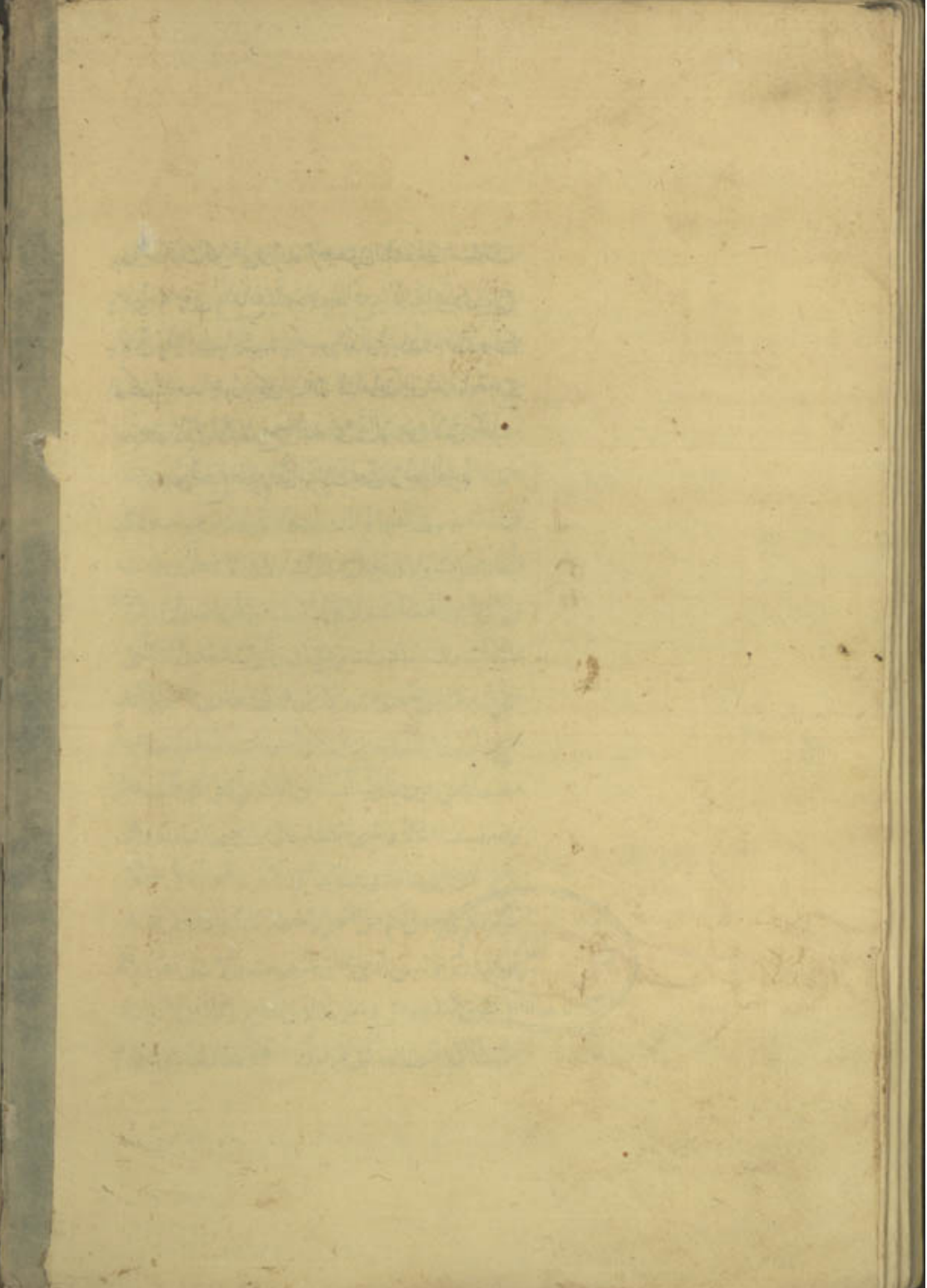
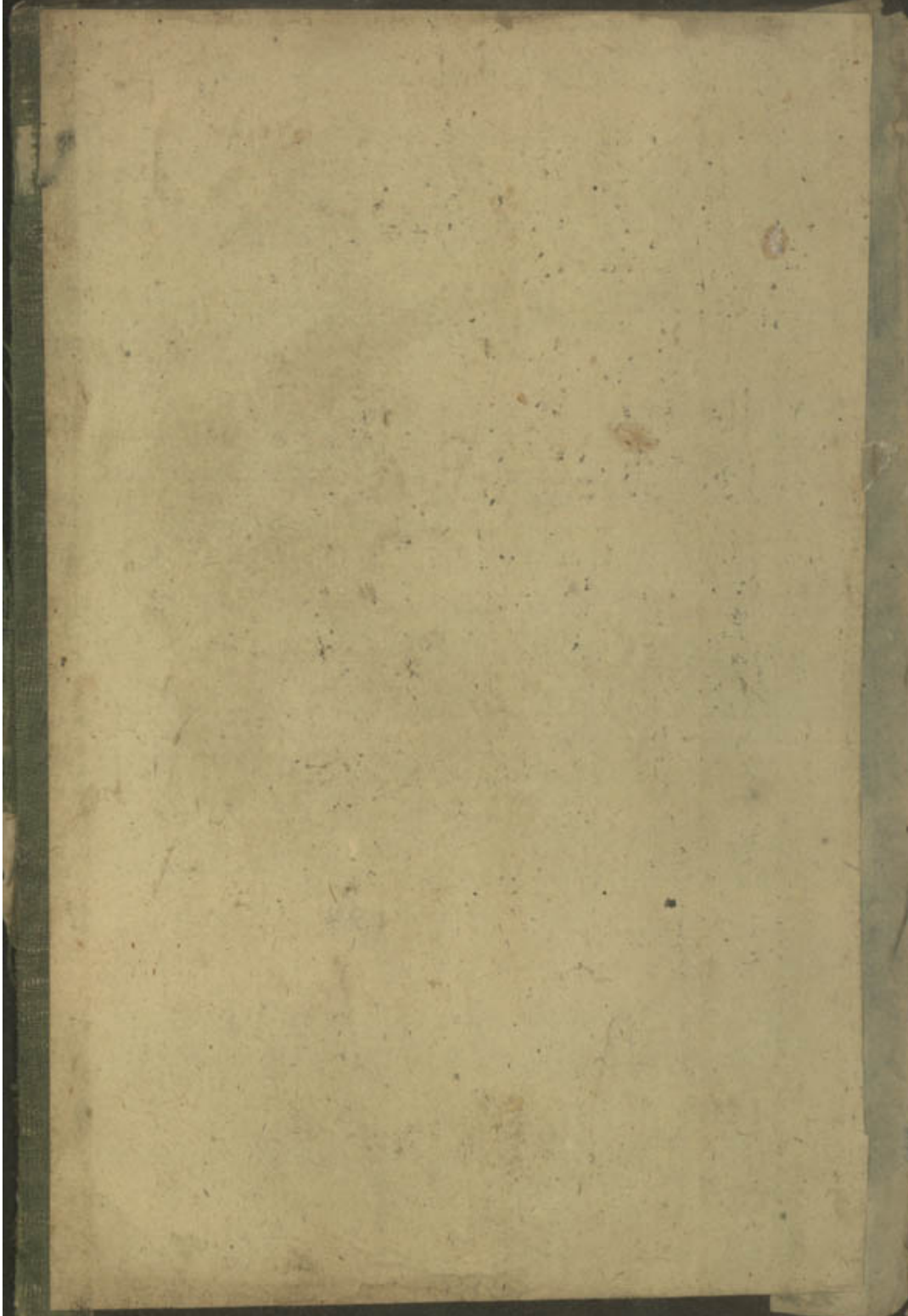
الغضرة المقدسة المكرمة المطهرة المنورة وبحق العرش
والكرسي واللعن والشمس وبحق جبرائيل وميكائيل واسرافيل
وعزرائيل وبحق كروبيوت والروحانيون والملائكة المقربون
وبحرمة السموات السبع والارض وسبع الكواكب والسماء
ذات البروج واليوم الموعود وشاهدين ومشهود واسماء والطاق
النجم الثاقب والفجر ولبال عشر والتشفع والوتر والليل اذ يسر
وبحق والذين والزيتون وطور سينين وهذا البلد الامين
وبحق آية المقدس وبحرمة اولياك واصفيائك
وعبادك الصالحين يارب العالمين ويا خير الناصرين
ويا محبي السائلين يا قاضي الحاجات ويا مجيب الدعوات
ويا مقبل الخيرات ويا مولى الحسنات ويا غافر السيئات
تقضى لنا حاجاتنا وتبلغنى ما هو مقصودى ونسخر لى الرزق
وتهون على وتلين قلبه وروحاه وجسده وجوارجه بالحقه
والمودة والعطف ونسخر لى الرزق وتهون على كل عسير بحرمة
يس والقران الحكيم اقمتم ونعمة عليكم يا قوم عليوتون
وسفليوتون الروحانيون بحق الغالب منع وسمايل يا مجمع طموش
فوكوا قلب المطلوب ونسخر لى احدام هذه السورة الشريفة
ما امركم ووكلمكم بقرنة العين لانهوم لها بالليل والنهار
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين يا حي يا قيوم

يا قيوم اجب يا روفيايل على ما نسخر لى فلو جميع المخلوقات الروحانيات
من العلويات والسفليات سمعاً مطيعاً بحق الحمد لله رب العالمين
وبحق الحق القيوم وبحق الملك بجد الرحمن الرحيم يا رحيم يا روف
يا عطفو اجب يا جبرائيل على ما نسخر لى فلو جميع المخلوقات
الروحانيات من العلويات والسفليات سمعاً مطيعاً بحق الرحمن
الرحيم وبحق يا رحيم يا روف يا عطفو وبحق الملك هو زج
مالك يوم الدين يا مقلب القلوب اجب يا سمايل على ما نسخر لى
فلو جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات
سمعاً مطيعاً بحق مالك يوم الدين وبحق مقلب القلوب
وبحق الملك طيكل اياك نعيد واياك نستعين يا سيرع يا قير
يا معبود مستعان اجب يا ميكائيل على ما نسخر لى فلو جميع
المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات سمعاً
مطيعاً بحق اياك نعيد واياك نستعين وبحق السيرع القير
المعبود المستعان وبحق الملك منع اهدنا الصراط المستقيم
يا قادر يا مقدر اجب يا صرافيايل على ما نسخر لى فلو جميع
المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات سمعاً مطيعاً
بحق اهدنا الصراط المستقيم وبحق القادر المقدر وبحق الملك
فصقر صراط الذين انعمت عليهم يا الله يا عليم يا حكيم اجب
يا عنيائيل على ما نسخر لى فلو جميع المخلوقات الروحانيات

من العلويات والسفليات سمياً مطيعاً بحق صراط الذي انعمت
عليهم وبحق الله العليم الحكيم وبحق الملك شافع غير المقضوب
عليهم ولا الضالين يا قائم يا عزيز يا عزيز ائيل على ما سخر في قلوب
جميع المخلوقات والروحانيات من العلويات والسفليات
سمياً مطيعاً بحق غير المقضوب عليهم ولا الضالين وبحق
القائم العزيز وبحق ذلك ذمضغ الموكب بالقائمات العرشية
اللهم انه ليس في القوائم الدورات ولا في الارض عمارات ولا في
البحار قطرات ولا في الجبال مدارات ولا في الاشجار ورفات
ولا في العيون لحظات ولا في الانفاس لحركات ولا يدوم متك
عارفات ولك شاهدهات وعليك دالات فيقدر ذلك التي
سخرت بها اهل السموات والارض سخر في مطلوبي وسخر في قلوب
جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات سمياً
مطيعاً بحق امين يا رب العالمين انك على كل شئ قدير
وضرب لنا مثلاً ونسي خلقه قال من يحيى العظام وهي
رميم قل يحيى الذي انشاها اول مرة وهو بكل خلق
عليم الذي جعل لكم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه
توقدون اوليس الذي خلق السموات والارض بقادر على
ان يخلق مثلهم بلى وهو الخالق العليم انما امره اذا اراد
شيئاً ان يقول له كن فيكون فسبحان الذي بيده

بيده ملكوت كل شئ واليه ترجعون اللهم اني اسئلك
يا غني يا معني يا مانع يا ضار يا نافع يا نور يا هادي يا ديع
يا باقي يا وارث يا رشيد يا صبور الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن
له كفواً احد اعوذ بك ان الله اتا مات من شر ما خلق
بسم الله الذي لا يضر مع العتمه شئ في الارض ولا في السماء
وهو السميع العليم اني اسئلك بحق الاسماء العظيمة









در کتابخانه مجلس شورای اسلامی
مقتضی

حکیم نوروزی

کتابخانه
مجلس شورای اسلامی
تهران

کتابخانه
مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۷۷۴۸